

بیانیه حزب حکمتیست بمناسبت سالروز خیزش انقلابی شهریور

جبهه های اصلی نبرد طبقاتی در ایران

وضعیت حاضر حکومت اسلامی و الزامات پیشروی مبارزه انقلابی

صفحه ۳

محاكمه قاتلان سال ۶۷ دور نیست !

رحمان حسین زاده

صفحه ۶

صادق فولادی وندا (کفاش کلهای رنج) را زیر شکنجه کشند!

بازنگری یک تاریخ: تابستان ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۲

بخش هفتم: فیروز، توله ی یوزپلنگ مرد

پروین کابلی

صفحه ۷

قدرت زنان شورشی، وحشت نظام اسلامی

در باره کفن پوشی "دختران زینبی، بانوان حسینی"

سیاوش دانشور

صفحه ۹

اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

در مقابل موج احضار و بازداشت و تهدیدهای رژیم باید ایستاد!

سالگرد خیزش انقلابی شهریور، کابوس سران جمهوری اسلامی است!

صفحه ۱۰

هفت تپه - کانال مستقل کارگران

پیام دریافتی در مورد دادگاهی سپیده قلیان

صفحه ۱۱

خطاب به سران رژیم جنایتکار اسلامی

نگفتیم جوابتان را هر روز خواهید گرفت!؟

امیر عسگری

صفحه ۱۲

ستون اخبار کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری و آرش کلهر

صفحه ۱۳

۷۱۳
مستقلی
کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

جمعه ۳ شهریور ۱۴۰۲ - ۱۲۵ اوت ۲۰۲۳

کابوس حکومت از بر آمد

انقلابی

تهدید قوه قضاییه

سیاوش دانشور

سالروز خیزش انقلابی شهریور برای جمهوری اسلامی یک کابوس تمام عیار است. شبی بر سر تاریکخانه های عمارت اسلامی در گشت و گذار است و جمیع جنایتکاران و قاتلین سریال حکومتی را به واکنش هیستریک واداشته است. گزارش ها از حضور سنگین نیروهای امنیتی و دستجات اوباش در شهرهای بزرگ ایران خبر میدهند. یک حکومت نظامی تمام عیار مستقر است تنها ساعات منع عبور و مرور را تعیین نکرده اند. بازداشت خانواده های جانباختگان برآمد انقلابی شهریور، احضارهای گسترده، اخراج و تهدید های مکرر در کنار وحشی بازی خیابانی اوباش ضد زن، هنوز به سران رژیم اسلامی قوت قلبی برای از سر گذراندن مناسبت سالروز خیزش انقلابی نداده است. بخود اطمینان ندارند و هرچه کابوس سرنگونی عمیق تر، زبان تهدیدشان درازتر.

آخرین موارد را سران قوه قضاییه محسنی اژه ای رئیس و صادق رحیمی معاون بدست داده اند. آنها برای صدمین بار "هشدار" داده اند که با اعتراضات احتمالی و "بی حجابی" بسیار "قاطعانه" برخورد خواهند کرد و "اینبار عفو در کار نخواهد بود!" اژه ای که گوش مخالفین را در طویله اسلامی گاز میگرفت، زنان بی حجاب را تهدید میکند و رحیمی معاونش انقلابیون را با شناسائی توسط دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی میترساند. گویا نمیدانستیم که این قاتلین سریالی کی هستند و هرکدام چه پرونده قطور و

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کابوس حکومت از برآمد انقلابی

تهدید قوه قضاییه

سیاوش دانشور

سیاهی از آدمکشی زیر بغل دارند!

خامنه ای که تجربه "وادادن" بالاترین مقامات نزدیک تر از رگ گردن را در سال گذشته دیده است، حق دارد کابوس داشته باشد. برای همین است که سران سپاه و ماشین سرکوب را جمع کرده و با زبان آخوندی تهدید میکند که مبادا جا بزیند و "لغزش کنید"! کل نیروی سرکوب و امنیتی و تبلیغاتی نظام را بخطر کرده اند، بی مهابا میگیرند و میبرند، استقرار گسترده نیروی سرکوب در خیابانها در کنار تهدیدهای تبلیغاتی و امنیتی، نشان میدهد تا چه حد وحشت زده اند. این قدرت و پتانسیل برآمد انقلابی است که خواب از چشمان سران نظام ربوده است. این قدرت بالقوه و بالفعل مردمی است که میخواهند سر به تن نظام خونریز و کثیف اسلامی نباشد. این عربده های سران حکومت نشان قدرت نیست، بیان جبن و استیصال و وحشت مرگ است.

پاسخ اردوی انقلابی آزادی و برابری روشن است: هیچ غلطی نمیتواند بکنید! علیه "کشف حجاب" تهدید میکنید درحالی خودتان از ترس با "کشف عبا و عمامه" رفت و آمد می کنید. ایران را یک زندان بزرگ کرده اید اما دیوارهای زندان مانع اراده عظیم "نه" گفتن نشده اند. یک جامعه را با نام "حجاب و عفاف" سرکوب می کنید در حالی که زنان مستاجر و فقر زده را به تن فروشی برای کرایه منزل تشویق و ترغیب میکنند. دهها میلیون را به گرسنگی و فلاکت محکوم کردید و خودتان مشغول شکمچرانی و فساد و دزدی اموال عمومی هستید. کثافت و پلشتی از سر و روی نظام تان میبارد.

روش و سیاست تان ورشکسته است، جامعه تسلیم نمیشود و از قیافه کریه آخوند و دین و آئین تان بیزار است. شماها تمام شدید، این ماشین سرکوب نیز تا جایی سوبسید به بقای نظام میدهد، لحظه ای ورق برمیگردد و آنجا دیگر پایان خط است. وحشت و کابوس تان واقعی است، ایران را نمیتوانید گورستان اسلامی کنید، برآمد انقلابی دیگر "شبح" نیست، یک واقعیت عظیم است و در یکی از همین پیچ های سیاست سیل ویرانگر همه شما را به همان گورستانی خواهد فرستاد که از آن بیرون آمده اید!

۲ شهریور ۱۴۰۲ - ۲۴ اوت ۲۰۲۳

امروز تا شهریور ماه باید در سنگرهای مختلفی حضور یافت. از اعتصاب و اعتراضات کارگری تا حرکات توده ای و امور سازماندهی و رهبری اجزای کار ماست. دوباره برمی خیزیم! یاد یاران را با پر کردن سنگرها

و تلاش برای پیروزی گرامی میداریم! علیه زن کشی و فقر و فساد و جنایت، علیه حکومت نکبت اسلامی سرمایه بمیدان می آئیم!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۹ تیر ۱۴۰۲ - ۳۰ ژوئن ۲۰۲۳

فراخوان حزب حکمتیست

به پیشواز سالروز برآمد انقلابی شهریور برویم!

علیه زن کشی و حجاب اسلامی، علیه فقر و

فلاکت اقتصادی!

با قتل عمد حکومتی مهسا (ژینا) امینی، زنان و مردان آزادیخواه در روز ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ روبروی بیمارستان کسری و خیابان آرژانتین تهران جرقه اولین اعتراض را با شعارهای: "ما همه مهسا هستیم"، "می کشم می کشم آنکه خواهرم کشت"، "مرگ بر خامنه ای" و "بنام دین و قانون حلال شده خونمون" را زدند. اجتماعات گسترده بعدی در سقز و مراسم خاکسپاری مهسای عزیز و حجاب برگیران دستجمعی، بشکه پاروت انزجار توده ای از حکومت ضد زن اسلامی را منفجر کرد. سلب آزادی و زندگی و ضدیت با زن و پشتوانه یک تقابل قدیمی زنان با حکومت اسلامی شعار؛ "زن، زندگی، آزادی" را به صدر راند. با اعتراضات توده ای و زن محور، حجاب سوزان، ضدیت علنی و توده ای با آخوند و دستگاه دین، تقابل با فقر و گرانی و خواست برابری و رفع تبعیض، جامعه وارد یک دوره انقلابی شد. قریب ۳۰۰۰۰۰ بازداشتی و ۱۰۰۰ جانباخته و ترور و اعدام آزادیخواهان نتوانست اراده انقلابی را درهم شکند.

آخوندهایی که در هفت سوراخ پنهان شده بودند بعد از کاهش اعتراضات توده ای و سرکوب خشن، زبان درازی را مجدداً آغاز کردند. انتساب جنایتکار مشهوری مانند پاسدار رادان و تمهیدات حکومتی نتوانسته است سنگرهای فروریخته نظام را بازپس بگیرد. حجاب عملاً ورافتاده است و حکومت خامنه ای علیه قامت بلند انقلاب هیچ غلطی نمیتواند بکند. سرکوب حکومت با تعرض به سفره خالی دهها میلیون کارگر با دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و طرح موسوم به "برنامه توسعه هفتم" قرار است جامعه را به یک برده داری تمام عیار سوق دهد و به تمکین بکشاند. این سیاستها اجزای مکمل و واحد تقابل ضد انقلاب اسلامی با برآمد انقلابی علیه امواج آزادی و برابری است.

در این دوره دیدیم که دولتهای دمکرات برخلاف ادعاهای صوری حمایت از حرکت انقلابی کنار جمهوری اسلامی و قاتلین عزیزان ما ایستادند. دیدیم که اپوزیسیون راست با امکانات زیاد افتضاح بیار آورد و از سپاه و نیروی سرکوب حمایت کرد و مهمتر جامعه ایران دست رد به سینه آنها زد. بیش از پیش روشن شد که ما فقط میتوانیم روی پای خود بایستیم و به نیروی خود تکیه کنیم. برآمد انقلابی تنها میتواند به نیروی انقلابی و رهبری انقلابی و سیاست انقلابی متکی شود.

کارگران، زنان و مردان و نسل پرشور انقلابی!

از امروز تا ۲۵ شهریور نبردهای مهمی پیش رو است. تابستان را میتوانیم و باید به پیش درآمد بپا خاستن مجدد و سهمگین توده ای و انقلابی بدل کنیم. میتوانیم با ترکیب اعتراض و اعتصاب زمین را زیر پایشان داغ کنیم. میتوانیم سنگرهای جدیدی فتح کنیم و حاکمیت فقر و فساد و جنایت را به گورستانی بفرستیم که از آن بیرون آمده اند.

فراخوان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اینست که سالروز قتل مهسا را به روز گرامیداشت کلیه جانباختگان برآمد انقلابی و تداوم حرکت انقلابی برای تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی بدل کنیم. از

مرگ بر جمهوری اسلامی!

بیانیه حزب حکمتیست بمناسبت سالروز خیزش انقلابی

شهریور

جبهه های اصلی نبرد طبقاتی در ایران وضعیت حاضر حکومت اسلامی و الزامات پیشروی مبارزه انقلابی

۱- در آستانه سالروز برآمد انقلابی شهریور ۱۴۰۱، سران حکومت اسلامی در وحشت سرنگونی و امواج جدید برآمد انقلابی و توده ای سراسیمه اند. سرکوب خشن، قتل عام و اعدام و ترور قریب هزار جان شیفته و مبارز راه آزادی و برابری، بازداشت بیش از سی هزار زن و مرد انقلابی، تداوم و تشدید این سیاست با هدف بازدارندگی و کنترل جامعه، هنوز اطمینان خاطر موقتی به حکومت اسلامی نداده است. جمهوری اسلامی امروز صرفاً به دستگاه سرکوب و صفی از خشن ترین عناصر جنایتکار برای تولید ارباب جمعی متکی است اما این ماشین سرکوب در بالاترین سطوح آن خود مرعوب انقلابیونی است که میخوانند کار ناتمام را تمام کنند. نه فقط سیاست سرکوب عریان کارکرد سابق را از دست داده است بلکه وضعیت عینی جامعه و مجموعه مشخصات اوضاع سیاسی و اقتصادی، راهی جز تداوم کشمکش در اشکال نوین تر، در بالا و پائین باقی نگذاشته است.

۲- مشخصات و کاراکتر اجتماعی برآمد انقلابی اخیر که از یک جنبش سرنگونی صرف فراتر میرفت؛ از جمله زن محور بودن، آنتی اسلامیسیم، آزادیخواهی و برابری طلبی، غیر قومی و غیر ملی و غیر مذهبی بودن، میلیتاریسم در عمل و آوانگارد در سیاست، ایجاد یک همبستگی عمیق که زیرپای هر ارتجاع و تحریک امنیتی را خالی میکرد، مجموعه ای بود که توسط نسل پیشرو انقلابی زنان و مردان نمایندگی میشد. این مختصات خودیژه بود که جهانی را به وجد آورد، مرزها را درنوردید، عنصری جدید در سیاست ایران و منطقه و جهان بجلو صحنه راند و بسرعت چشم انداز یک انقلاب توده ای و اجتماعی را گشود. این ویژگی ها بود که خصلتی مدرنیستی و ضد تبعیض و انسانگر ایانه و برابری طلب به برآمد انقلابی داد، پتانسیل سوسیالیستی و آزادیخواهانه جنبش جاری را عیان کرد و موجب وحشت کل ارتجاع سیاسی در ایران و منطقه و جهان شد. رژیم اسلامی با کشتار و سرکوب و زندان و احضار و اخراج و انواع تمهیدات نتوانسته است این دستاوردها را پس بگیرد.

۳- جنبش سرنگونی و خروش انقلابی که یک رادیکالیسم اجتماعی چپ را نمایندگی میکند، در دو قلمرو مشخص و دو سوال ماکروی اجتماعی قطبی شد و در تداوم آن نیز روی همین دو قلمرو انکشاف خواهد یافت. این دو قلمرو عرصه ها و جبهه های اصلی نبرد طبقاتی را تشکیل میدهند: اول، مسئله زن بعنوان یک سوال قدیمی و مهم اجتماعی که از دریچه نفی حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی قطبی شد و می رود که بساط اسلام در ایران را جمع کند و تأثیرات جدی در سیاست منطقه و جهان برجای بگذارد. دوم، تقابل با فقر و فلاکت اقتصادی که اساس و جوهره سرمایه داری ایران را میسازد و نیروی سهمگین دهها میلیونی طبقه کارگر و زحمتکشان شهری را پشت سر خود دارد. این دو ویژگی که اساساً دربرگیرنده نیروهای وسیع طبقه کارگر و محرومان جامعه است، علیه تمامیت جمهوری اسلامی، علیه صنعت دین و بیزاری از آخوند و مذهب، با پتانسیل بالای ضد کاپیتالیستی است. این کاراکتر اساسی جنبش و خیزش انقلابی است که دورنمای یک انقلاب اجتماعی، یک انقلاب کارگری، یک تحول زیر و رو کننده بنیادی را ترسیم می کند.

۴. جمهوری اسلامی در هر دو جبهه اصلی نبرد طبقاتی دست به تعرض متقابل زده است. از یکسو، مهمترین و وسیع ترین تعرض اقتصادی و تاراج اموال عمومی را تحت برنامه هفتم اقتصادی به بهانه "مولد سازی" و "تامین کسری بودجه دولت" آغاز کرده است که از دوره رفسنجانی تاکنون بیسابقه است. مصادره صندوق های بیمه و بازنشستگی، موج جدید واگذاری صدها و هزاران شرکت و واحد اقتصادی به عمله و اگره خود تحت عنوان خصوصی سازی، کاهش واقعی دستمزدها در شرایط تورم لجام گسیخته و خط فقر ۳۰ میلیون تومانی، آزادسازی قیمت ها و گرانی نان و ارزاق و عاملهای انرژی، بیکارسازی های وسیع و سرکوب های خشن؛ همه قرار است اولاً، با تامین هزینه از جیب طبقه کارگر رژیم اسلامی را چند صباحی سرپا نگهدارد و ثانیاً، با تشدید فقر و فلاکت طبقه کارگر بمثابة موتور محرکه اصلی جنبش انقلابی را از عمل اعتصابی و مبارزاتی باز دارد. از سوی دیگر، با تعرض به زنان و تمرکز بر تقابل با بی حجابی، تلاش دارد یک مشخصه مهم خیزش انقلابی زنانه یعنی ضد مذهبی بودن آنرا عقیم کند. مبارزه و مقاومت قهرمانه زنان و مردان علیه دستگاه سرکوب و اوباش ضد زن که برای اولین بار در تاریخ افق یک رنسانس ضد اسلامی را گشوده است، تنها پایه های رژیم اسلامی را ویران نمیکند بلکه میتواند سیمای خاورمیانه اسلام زده را دگرگون کند و کل صورت مسئله اسلام سیاسی در جهان را تغییر دهد. نه فقط رژیم اسلامی بلکه کل ارتجاع سیاسی در منطقه و جهان، از جایگاه حجاب سوزان و اعلام بیزاری از دین و آئین اسلام بوحشت افتاده اند. در کشوری که حجاب بعنوان سمبل حاکمیت آپارتاید را میسوزانند، عمامه از سر آخوند بعنوان سمبل جاهلیت می پرانند، به مراکز تجار دین حمله می کنند؛ هر ناظری بارقه های یک موج عظیم برگشت آنتی اسلامیستی را مشاهده میکند. رژیم اسلامی در هر دو قلمرو، علیرغم سرکوب خشن، موفق به مهار این جنبشها نشده است.

۵. دوره اخیر تجارب مهمی داشته است که جامعه را بیش از پیش پلاریزه می کند. کارنامه و عملکرد اپوزیسیون راست و ناهمخوانی عمیق شان با روند انقلابی و دست رد زدن جامعه به سیاستهای مضحک و ارتجاعی شان، از تجربه و آگاهی و هشاری یک جامعه در حال تحول خیر میدهد. اپوزیسیون راست ایران و بخشهای مختلف آن یک به یک در این آزمون تاکنون ورشکسته شدند. دولتهای غربی که در ابتدا ناچار شدند زیر فشار افکار عمومی پیشرو جهان کلاه احترام برای "انقلاب ایران" از سر بدارند، آشکار و پنهان کنار جمهوری اسلامی ایستادند و مانند همیشه زیر بغل عزیز دردانه ضد کمونیست و نوکر بانک جهانی شان را گرفتند. اپوزیسیون راست از سلطنت طلب و جمهوریخواه تا ناسیونالیست و قوم پرست فدرالیست که بادیان امیدشان را به کشتی دولتهای غربی بسته بودند، در این تناقض مهلک پروژه هایشان یک به یک به گل نشست و منزوی شدند. این از دستاوردهای مهم برآمد انقلابی بود که این حکم قدیمی ما را یکبار دیگر اثبات کرد که سناریوی تکرار خمینی در ایران توهمی بیش نیست. در کنار ورشکستگی پوپولیسم راست زیر پرچم "امروز فقط اتحاد" که ماحصلی جز "امروز فقط تفرقه" نداشت، سیاست پوپولیستی "همه با هم" که در همین بستر کار میکرد نیز منزوی شد. تجربه عینی نشان داد که "همه با همی" وجود ندارد و تقابل واقعی حول چپ و راست جامعه، حول راه حل های طبقاتی، حول بورژوازی و پرولتاریا شکل میگیرد.

۶. دستاوردهای برآمد انقلابی تا به امروز بیشمارند. شکل گیری طیف وسیعی از اتحاد مبارزاتی و ابتکار سیاسی و فرهنگی، بمیدان آمدن مردم در کلیه استانهای ایران، لغو دفاکتوی حجاب و گشت اوباش ارشاد، عادی شدن بی حجابی، بدست دادن ابتکارات برای استمرار حرکت در اشکال مختلف و حفظ فضای انقلابی، خسته کردن و ریزش درجه ای از نیروی سرکوب و حمله مکرر به پایگاه ها و به آتش کشیدن آنها، شعارنویسی گسترده و تهدید عاملان حکومت و ایجاد فضای ناامن برای آنان، جنگ و گریز خیابانی و در مواردی حذف آنان، بی اعتبار کردن بیش از پیش نمادهای اقتدار حکومت،

صفحه ۴

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!

بجلو راندن جنبش توده ای برای سرنگونی اند. اول، تناسب قوا بدرجه ای تغییر نکرده بود که کارگران در یک جدال رودررو و علنی بمصاف وضع موجود بروند و رهبران و پیشروان جنبش کارگری به این نتیجه رسیده باشند که مقطع تعیین تکلیف قطعی با جمهوری اسلامی فرارسیده و با همه قدرت به میدان بیایند. ثانیاً، تشدید فقر و فلاکت بعنوان سیاست و کارکرد نظام استبدادی خشن متکی به کار ارزان، طبقه کارگر را تحت فشار چند بار زیر خط فقر و نگرانی از بیکاری و آوارگی تحت شرایط بسیار ناامنی قرار داده است. ثالثاً، سرکوب کارگران بیوقفه ادامه دارد و رهبران عملی و کارگران رادیکال مرتباً تحت فشار و تهدید و زندان هستند. رابعاً، فقدان و ممنوعیت تشکل های قدرتمند توده ای کارگری و سازمانهای حزبی کارگران، و به این اعتبار وجود افق و راه حل روشنی برای پیروزی، از دامنه قدرت عمل کارگران بشدت کاسته است. خامساً، اعتصاب در دوره انقلابی برای تعیین تکلیف نیازمند پشتوانه جدی مالی است که سنناً کارگران با تشکیل صندوق اعتصاب و ابتکارات دیگر، ادامه کاری یک اعتصاب طولانی را باید تامین کنند. این موانع البته داده مبارزه کارگری و اجتماعی علیه سرمایه داری تحت سلطه در کشورهانی مانند ایران است و هنوز مانع شکلگیری یک رهبری موثر و با اتوریته سراسری در جنبش کارگری و تحولات انقلابی جاری نیست. این موانع را باید برسمیت شناخت و یک به یک آنها را رفع کرد. تحرک اعتصابی کارگران علیه وضع موجود با خواستهای رفاهی، مکانیسم تغییر تناسب قوا و رفع کمبودها نیز هست. در مرحله ای از گسترش مبارزه توده ای و اعتصابات کارگری، ایندو ترکیب میشوند و اعتصاب و اعتراض بعنوان دو رکن مبارزه انقلابی چشم انداز یک تحول انقلابی و سوسیالیستی را باز میکند.

۹. سیاست عملی حزب کمونست کارگری - حکمتیست اینست که در دو جبهه اصلی مبارزه طبقاتی اقدامات ویژه ای باید صورت گیرد تا تداوم مبارزه انقلابی و ارتقای آن تضمین شود: اولاً، علیه هر سیاست تسلیم طلبانه و شکست طلبانه و تفرقه افکنانه باید ایستاد. محور سیاست تفرقه افکنانه در اساس خود جمهوری اسلامی و در مرحله بعد نیروهانی هستند که در حضور انقلابی زنان و مردان و کارگران نفعی ندارند. ثانیاً، در مقابل هر تعرض حکومت برای تحمیل عقب نشینی باید تعرضی متقابل را سازماندهی کرد. ثالثاً، ایجاد تمایز و اهمیت دادن به یک قلمرو و نفی یا کم اهمیت کردن هر جبهه اصلی مبارزه یک سیاست ارتجاعی است و باید قاطعانه در مقابل آن ایستاد. ما هم نفی حجاب اسلامی و آپارتاید را میخواهیم و هم آزادی و برابری کامل زن و مرد. ما هم دستمزد و بیمه و کار میخواهیم و هم نفی بردگی مزدی و نظم سرمایه. ما هم تحمیل عقب نشینی به حکومت را میخواهیم و هم سرنگونی کامل و انقلابی آن. ما هم کنترل و آزادسازی موقت کارخانه و محله و دانشگاه و خیابان را میخواهیم و هم اعمال حاکمیت مستقیم شورائی و کارگری. رابعاً، هرگام امروز ما و هر تاکتیک مشخص ما باید در خدمت اهداف انقلابی و گسترش سازمانگری باشد. تاکتیک ها و سیاستهایی که موقتاً به راست نیرو میدهد در آینده نیز به جیب راست خواهد ریخت. معنی عملی تامین استقلال سیاسی و تشکیلاتی طبقه کارگر و اردوی انقلابی را باید در هر قدم لحاظ کنیم و از سیاستهای پوپولیستی و همه با هم و خلقی و انارشینیستی اجتناب کنیم. خامساً، چتر عمومی سیاست انقلابی باید متکی بر تقویت رگه های عمل انقلابی و توده ای و کارگری و بالا بردن قدرت تشکل و حزب و بسیج وسیع تر جامعه تحت پرچم انقلابیون و کمونست ها در خدمت یک استراتژی انقلابی در پروسه سرنگونی و دولت برآمده از قیام متمرکز شود.

۱۰. برای تضمین بدست گرفتن ابتکار عمل توسط اردوی کارگری و انقلابی و تامین یک رهبری سراسری در روند مبارزه انقلابی اقدامات زیر باید در دستور فوری کار ما باشد: الف) تمرکز بر سازماندهی کارگری در تمام سطوح، دامن زدن به جنبش مجمع عمومی (ب) در محلات اقدامات تاکتونی را ارتقا دهیم. با اتکا به تشکل ها و نهادهای انقلابی و جمع های مختلف پایه های

بیانیه حزب حکمتیست بمناسبت سالروز خیزش انقلابی شهریور

جبهه های اصلی نبرد طبقاتی در ایران وضعیت حاضر حکومت اسلامی و الزامات پیشروی مبارزه انقلابی

حاشیه ای کردن سیاستهای تفرقه اندازانه مذهبی و ملی و قومی، ایجاد یک همبستگی عمیق و اتحاد بین بخشهای مختلف مردم، بازگرداندن امید به جامعه در مقیاس وسیع، عبور از فاز مطالبه گری به فاز انقلابی و جنگ رودررو با حکومت، جلب حمایت بیسابقه و گسترده افکار عمومی پیشرو جهان، متشکل شدن در سطوح مختلف در کارخانه ها و محلات و دانشگاه ها و مدارس و محلات، برپائی ارگانهای انقلابی برای دست زدن به عمل انقلابی، تغییر ادبیات و منش جامعه از نمونه های برجسته تر هستند.

۷. یک نقطه قوت مهم برآمد انقلابی تاکتیک محله محور و اجتناب از تمرکز جمعیت در شهرها برای تقابل با تاکتیک محاصره و خسته کردن نیروهای سرکوب است. این تاکتیک در کنار روشهای جنگ خیابانی و کنترل محلات موجب تلفات کمتری شد. در عین حال هرچا کمیت نیروها افزایش یافت و امکان عمل توده وسیع وجود داشت، مانند بزرگداشت ها و وصل شدن محلات عملی شد. بمیدان آمدن جمعیت های میلیونی در کلان شهرها تابعی از گسترش مبارزه در حوزه ها و محلات مختلف، فلج نیروی سرکوب و آزادسازی موقت در سطح گسترده است. این تاکتیک که بویژه از آبان ۹۸ وسعت یافت، جنبش انقلابی را به درجه ای از سازماندهی و رهبری در مقیاس محلی متکی کرد. ایجاد شبکه های محلی و منطقه ای و هماهنگی های سراسری تر در دوره کنونی، یک کلید پیشروی موثر در دوره آتی است. ما بر سازمانیابی پیچیده تر با دستور کار انقلابی با ایجاد شبکه ها و ارگانهای انقلابی در محلات و مراکز کار، دانشگاه ها و مراکز آموزشی، میان جنبشهای اجتماعی رادیکال تاکید داریم. تردیدی نیست هر پیشرفت در این زمینه امری پراتیک و در گرو مبارزه عملی برای تغییر مرتب تناسب قوای سیاسی است. تغییر تناسب قوای سیاسی بنفع جنبش انقلابی و افزایش کمیت شرکت مردم در محلات و شهرها و مناطق، ایجاد و تحکیم شبکه های رهبران عملی کارگران در سطوح رشته ای و شهرک های صنعتی و شهرها، بسرعت امکانات جدیدی برای رهبری سراسری و داخل کشوری و تحرک بیشتر اعتصابی در میان طبقه کارگر و تحرک توده ای در جامعه فراهم میکند.

۸. یک مسئله کلیدی حضور طبقه کارگر بمثابه طبقه در نبرد برای سرنگونی و تضمین پیروزی سیاسی است. واقعیت اینست که در خیزش انقلابی اخیر کارگران و فرزندان کارگران و خانواده های کارگری در تظاهراتها، در مبارزات محله محور، در مدارس و دانشگاهها حضور قابل توجه داشتند. مضافاً اینکه دستکم در یکدهه اخیر، جنبش کارگری مهمترین و پر سر و صداترین جنبش اجتماعی حاضر در صحنه مبارزه برای بهبود شرایط کار و زندگی و علیه تعرضات سیاسی و اقتصادی طبقه سرمایه دار و دولت اسلامی شان بوده است و اعتراضات و اعتصابات کارگری فراهم کننده تناسب قوای مساعد و یک سکوی پرش جنبشهای توده ای و اعتراضی بودند. اما کارگران علیرغم اعتصابات متعدد و مهم در ایندوره، بمثابه طبقه در خیزش انقلابی اخیر غائب بودند. همین امروز جنبش کارگری ایران از تجارب و خودآگاهی و آمادگیهای مساعد برای ایفای نقش دخالتگر و رهبری کننده برخوردار است اما موانع واقعی هم دارد، موانعی که از جمله دلایل عدم حضور کارگر بمثابه طبقه در دور اخیر برای گرفتن ابتکار عمل سیاسی و تقویت و

بیش از هر زمان به یک امر ممکن و در دسترس تبدیل کرده است. علیرغم سرکوب خشن، جامعه امیدوار ایران بسان کوه آتشفشان زبانه می کشد و مساله آینده و قدرت سیاسی را در مقابل کارگر و کمونیسم قرار داده است. یک فرصت تاریخی فراهم شده است تا طبقه کارگر و کمونیسم کارگری بتواند در این دوره در راس جنبش علیه فقر و فلاکت سرمایه و علیه حجاب اسلامی و آپارتاید، برای آزادی و برابری، برای رهایی زن، برای نفی فقر و فلاکت، برای سرنگونی جمهوری اسلامی قرار گیرد و پرچمدار یک انقلاب سوسیالیستی قرن بیست و یکمی شود. یک رکن سیاست حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در جنبش سرنگونی و انقلابی جاری در ایران علیه رژیم اسلامی، تفکیک و جدا کردن کارگران و مردم زحمتکش از هر آلترناتیو و افق و سیاست راست و بورژوازی، سوق دادن جنبش سرنگونی به سمت موضعی چپ و انقلابی و نه گفتن مردم به کلیت رژیم اسلامی و راه حلهای سرمایه داری است.

فراخوان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اینست که به پیشواز سالروز برآمد انقلابی برویم، یاد عزیز جانباختگان را گرامی بداریم. همه جا تصاویر قهرمانان و عزیزانمان را برافرازیم. بر عهدی که با یاران بسته ایم پایبند بمانیم. مبارزه امروز برای ساختن آینده است. آینده ای آزاد و برابر و مرفه و انسانی، جامعه ای بدون استثمار، بدون فقر، بدون طبقات بالادست و فرودست، بدون استبداد، بدون حاکمیت خرافات مذهبی و سنتها و اخلاقیات ارتجاعی، بدون نابرابری، بدون تبعیض، یک جامعه سوسیالیستی. ما رهبران کارگری، کمونیستها، زنان و مردان آزادیخواه را برای تحقق چنین آینده و دورنمایی به همگامی مبارزاتی و پیوستن به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست فرامیخوانیم!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲ شهریور ۱۴۰۲ - ۲۴ اوت ۲۰۲۳



بیانیه حزب حکمتیست بمناسبت سالروز خیزش انقلابی

شهریور

جبهه های اصلی نبرد طبقاتی در ایران وضعیت حاضر حکومت اسلامی و الزامات پیشروی مبارزه انقلابی

یک سازمان کنترل کامل محلات و پاکسازی از نیروهای رژیم را بریزیم. نیازهای مبارزه توده ای و جنگ خیابانی اعم از تاکتیک های حمله و ضد حمله، تامین امنیت، گروه های لجستیک، امکانات برای زخمی ها و افراد تحت تعقیب تا ایجاد شوراهای محلات را در دستور بگذاریم. (پ) مراکزی که باید مورد تهاجم قرار گیرند و یا در وقت مناسب تسخیر شوند را شناسایی و برای آن نقشه روشن داشته باشیم. افراد حکومتی و اوباش را شناسایی و افشا و محیط را برایشان ناامن کنیم. (ت) محافل کمونیستی را انسجام بخشیم. طرح رهبری در مراکز کارگری و مجموعه های صنعتی، محلات کارگری را در اولویت قرار دهیم. (ث) در دانشگاه ها و مراکز آموزشی که امکان تجمع طبیعی وجود دارد اشکال سازماندهی مخفی کمونیست ها و کار توده ای و مبارزه رادیکال علنی را تلفیق و در دستور بگذاریم. (ج) مبارزه علیه حجاب اسلامی را گسترش و حجاب سوزان را آگاهانه در دستور بگذاریم. از مبارزه برای آزادی پوشش و از هر تک زن که حجاب ندارد در خیابان و محله و دانشگاه و محل کار حمایت کنیم. در مقابل تعرض به زنان ما هم خیابانها را برای آخوند و خواهر زینب ناامن کنیم و عمامه و عبا و چادر از سر و تن تن پرورشان بکشیم. این مبارزه ای اجتماعی و علیه ارکان حکومت است و نه امری "زنانه" و یا امر "زنان". حجاب سمبل بردگی زن در اسلام است. حجاب نمیخواهیم! آپارتاید جنسی نمیخواهیم! (چ) جمع های آزادی زن تشکیل دهیم و برای ایجاد سازمان توده ای زنان آماده شویم. شعارهای "حجاب بی حجاب"، "نه روسری نه توسری، آزادی و برابری" و "مرگ بر حکومت ضد زن" را همه جا به صدر برانیم. امروز هر آزادیخواه واقعی باید یک فعال پرشور آزادی زن باشد.

۱۱. کارگران پیشرو و رهبران عملی کارگران ضروری است در محافل و شبکه های کارگری، میرمیت گسترش برگزاری مجمع عمومی و دامن زدن به جنبش مجمع عمومی را در دستور عاجل بگذارند. در شرایط ممنوعیت تشکلهای توده ای کارگری، برای سازماندهی مجامع عمومی در اعتراضات و گسترش جنبش مجمع عمومی بعنوان پایه های یک جنبش شورائی- کارگری و جامعه شورائی فردا آگاهانه کار کنیم. شبکه های کارگری را بدو در سطح رشته ها و همزمان در سطح شهر و شهرک های صنعتی و مراکز بزرگ تحکیم و برای رویارویی با سیاست فقر و فلاکت و بیکارسازی آماده شویم. برای ایجاد و اعلام شوراها و کنترل کارخانه ها آمادگی ذهنی میان توده کارگران ایجاد کنیم. دخالت سیاسی طبقه کارگر در قلمرو ماکروی سیاست را بعنوان دستور عاجل در شبکه های مخفی رهبران کارگری بررسی و اقدامات ضرور را انجام دهیم. سیاست تحرک اعتصابی را با مکانیسم های جنبش طبقه در همراهی با مبارزات توده ای و یا راساً علیه سیاستهای دولت مرجع اسلامی در دستور بگذاریم. متحزب و متشکل شویم. طبقه کارگر بدون حزب سیاسی نمیتواند دستش بقدرت برسد. ما موظفیم موانع واقعی را کنار بزنیم، به نیازهای دوره پاسخ دهیم و سیاست و تاکتیک متناسب با این نیازها را در دستور کار خود بگذاریم. ایجاد سازمانهای توده ای و حزبی کارگران کلیدی ترین مسئله برای تامین رهبری و بدست گرفتن ابتکار عمل سیاسی طبقه کارگر سوسیالیست و خیز برداشتن برای قدرت سیاسی است.

۱۲. تشدید بحرانهای عمیق سیاسی و اقتصادی و فرهنگی رژیم، انزجار وسیع از جمهوری اسلامی، اضمحلال و سرنگونی رژیم را

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



جوانان و زندانیانی که تابستان ۶۷ در جوخه های اعدامهای جمعی و شبانه در دسته های صدها و دهها نفره با پیکرهای شکنجه شده به قتل رسیدند، جرمی جز مخالفت با شکل گیری همین حکومت فقر و خفقان اسلامی را نداشتند. اینها کمونیست ها و آزادیخواهانی بودند که در راه مقاومت در مقابل شکل گیری یک حکومت ضد بشری اسلامی جانباختند. خاوران از مراکز و بناهای مهم، بازگو کننده مقطع مهمی از تاریخ شکل گیری جمهوری اسلامی ایران و ایستادگی در مقابل آن و گورستان هزاران هزار جانباخته عزیز و گرامی راه سوسیالیسم و آزادی است. مبارزه ای که این عزیزان مبشر آن بودند، اکنون در ابعادی گسترده تر ادامه دارد.

بارها نوشتیم " دور نیست آن روزی که سران جمهوری اسلامی به جرم کارنامه سراسر جنایات و ننگین همه دوران حاکمیتشان به سزای اعمالشان میرسند". به نظرم آن روز بسیار نزدیکتر شده است. جمهوری اسلامی زیر ضرب مبارزات گسترده و جنبش سرنگونی قدرتمند و خیزش انقلابی یکسال گذشته به پایان عمرش نزدیک شده است. سران این نظام مخوف اسلامی و همه جانیان و قاتلان به سزای اعمالشان خواهند رسید. شهریور ۱۴۰۲ ***

محاکمه قاتلان سال ۶۷ دور نیست!

رحمان حسین زاده

در آستانه سالگرد خیزش انقلابی شهریور و مهر سال گذشته یاد جانباختگان دهه شصت و به ویژه هزاران اعدام شده سال ۶۷ در فضای متفاوتی گرامی داشته میشود. خیزش انقلابی یکسال گذشته به طور جدی سرنگونی جمهوری اسلامی را نزدیک کرده است. چشم انداز امید بخش به محاکمه سپردن سران جمهوری اسلامی و دست اندرکاران قتل عامهای دهه شصت و عناصر "هینت مرگ" سال ۶۷ دور نیست. بیشک از فوری ترین اقدامات قدرت و دولت برآمده از قیام درهم کوبیده جمهوری اسلامی، دستگیری و به محاکمه کشاندن سرکردگان رژیم مخوف اسلامی و مجازات آنها است.

چهار دهه است مادران خاوران و بستگان رنج دیده قتل عام شدگان دهه شصت و صفوف جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی ایران نبردکنان برای پایان دادن به حکومت سیاه قتل و کشتار و جنایات سازمانیافته دولتی و محاکمه برپادارندگان هولوکاست اسلامی میکوشیم. امسال گرامیداشت استقامت و پایداری هزاران عزیز جانباخته در طول عمر جمهوری اسلامی و به ویژه زندانیان دهه شصت و سال ۶۷ با گرامیداشت و ارج گذاری فداکاری نزدیک به یک هزار جانباخته خیزش انقلابی درخشان یکسال اخیر و پیشرویهای این جنبش و نام مهسا امینی (ژینا) گره میخورد. بیشک خیزش انقلابی و پیگیر یکسال گذشته تناسب قوا را به نحو قابل توجهی در راستای تعیین تکلیف نهایی با جمهوری اسلامی به بن بست رسیده و فرسوده قرار داده است. این شرایط مساعد و انقلابی محصول بیش از چهاردهه مبارزه پیگیر جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی و از جان گذشتگی هزاران رزمنده آزادیخواه و کمونیست است.

چهاردهه قبل به دستور خمینی و مشارکت همگانی حاکمان جمهوری اسلامی از هر دو جناح، هزاران کمونیست و آزادیخواه و مخالف جمهوری اسلامی ظرف یک ماه مخفیانه اعدام شدند. اجسادشان با بولدوزر در بیابانهای خاوران زیر خاک مخفی شد و جمهوری اسلامی زندانها را به این طریق از زندانی سیاسی خالی کرد! این قتل عام، مابه ازای داخلی قبول شکست و آتش بس در جنگ ایران و عراق و برای "پاک سازی" زندانها و ترساندن جامعه بود. چهاردهه دهه قبل خاوران بیابان گمنام و متروکی بود که سران جمهوری اسلامی فکر میکردند، دور از چشم مردم میتوانند آثار جنایت و کشتارشان را در آنجا پنهان کنند. اما دیری نپایید و خیلی زود این محل توسط مردم و خانواده جانباختگان کشف و به گورستان کمونیست ها منسوب شد. بیابان متروکی که قرار بود مخفیگاه آثار شکل گیری حاکمیت اسلام باشد، توسط صدها و صدها خانواده ای که در زیر تله های خاک بدنبال باقیمانده اجساد عزیزانشان میگشتند، به محل همبستگی و اتحاد مبارزاتی تبدیل شد. از آن سال به بعد مبارزه ای بی وقفه برای زنده نگاهداشتن خاوران، جانباختگان و آرزوی به زیر کشاندن و به محاکمه کشاندن سازندگان این هولوکاست اسلامی در جریان است. هر سال مخفیانه و آشکارا علیرغم فشار قداره بندان اسلامی خانواده قربانیان و مردم در این محل اجتماع کرده و یاد عزیزانشان را گرامی داشته اند. خاوران آشوبتس جمهوری اسلامی و نماد به محاکمه کشاندن سران جمهوری اسلامی و کیفر خواست مردم تشنه آزادی است. خاوران پاشنه آشیل جمهوری اسلامی است. تقلاهای مذبحخانه و پنهانکاریهای ناشیانه جمهوری اسلامی برای گم و گور کردن آثار یکی از بزرگترین مقاطع جنایتکاری جمهوری اسلامی فایده ای نداشته و ندارد. خاوران پابرجا و پایدار یکی از بهترین سندهای جنایات جمهوری اسلامی است که سران جمهوری اسلامی باید در مقابل آن پاسخگو باشند.



به استقبال سالگرد خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱

تاریخ را ما شکست
نخوردگان رقم می زنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیت

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

www.hekmatist.org

مهسا ژینا امینی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



جبهه ی آلترناتیو راست با شاخه های جمهوری خواه پرو غرب، سلطنت طلب، شورای مدیریت گذار با دبیرکلی حسن شریعتمداری، بعد از شکست کمپین «من وکالت می دهم» دعواهای درون خانوادگیشان اوج گرفت. دور بعدی از گفتگوهای پشت درهای بسته و معامله ای اپوزیسیون راست با هم در همراهی با سلبریتی های ملی و هنری ظاهرا به توافق رسید، که قرار شد روز ۱۹ اسفند

برابر با ۱۰ مارس در دانشگاه جروج تاون در نشستی تحت عنوان «آینده جنبش دمکراسی در ایران» لانس شود. این توافق که «منشور سازماندهی برای آزادی ایران» نام نهاده شده بود دراز همان ابتدا بر نیروی دولتهای خارجی و رایزنی با آنها تکیه کرده و از حمایت و ایجاد یاری رسانی به مردم ایران «سخن گفته بود. در فرهنگ سیاست امروز دنیا هرکدام از این کلمات معنای خود را دارند. برای هر فعال سیاسی تازه کاری روشن بود که این گروه هشت نفره، بند نافشان نه به نیروی انقلابی جوانان و مردم زحمتکش بلکه به جای دیگری بند است و بقولی دم خروس از هر جای این منشور بیرون میزد. دیدار و ملاقات با نماینده های دون پایه دولتهای غربی در راهروهای پارلمان ها، ورود به سالن خالی پارلمان اروپا، دیدار در راهرو کنفرانس امنیتی مونیخ، درحالیکه عده ای شاه الهی عکس میگیرفتند و جیغ هستریک گوش ها را کر میکرد، همگی نشان از تلاش برای ساختن یک سناریوی سیاه در تقابل با خیزش رادیکال مردمی بود که در خیابانها می جنگیدند. هدف این بود که این منشور بعنوان ترمز انقلاب عمل کند. از انقلاب خبری نبود. «جابجایی نیروها و ایران را پس میگیریم» هدف بود.

احزاب چپ و سوسیالیست با افشای نقشه های اپوزیسیون پرو غرب برای آلترناتیوسازی مقابله کردند. «خیزش انقلابی تاکونر بناوین مختلف دست رد به سینه این ابوتونیستها زد. با انحال نیروهای راست ایران بعنوان مدافعان بازسازی نظم کاپیتالیستی و اساس دولت و مالکیت بورژوائی راهی جز این ندارند. نمایش دوستی و اتحاد و ائتلاف در میان عناصر و نیروهایی که هر روز همدیگر را مورد هجوم قرار میدهند، از تناقضات آنهاست. اما روندی که در جریان است و با دروغ و مانیپولاسیون و اویزان شدن به حمایت احتمالی آمریکا و دولتهای غربی حدادی و پیمان میشود را باید جدی گرفت. اینها قرار است روی دوش قهرمانی و اعتراض مردم مجددا استبداد و استثمار و تبعیض را سازمان دهند» «از اطلاعیه حزب حکمتیست تحت عنوان «نشست جرج تاون، تداوم تلاش اپوزیسیون راست علیه مردم»»

درست در این دوران طلایی و تلاش برای زمینه سازی برای بند وبست های سیاسی با دولتهای غربی بود، که در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۴۰۱ برابر با ۱۵ فوریه ۲۰۲۳ «منشور مطالبات حدافلی بیشت تشکل مستقل صنفی و مدنی» از داخل ایران با دوازده بند از جمله آزادی زندانیان سیاسی، آزادی بیان، لغو اعدام، اعلام فوری برابری زن و مرد منتشر شد. این سند در شرایطی ویژه، در دورانی پرتلاطم و زیر تیغ استبداد حاکم نوشته شد و انتشار آن توانست بحث آلترناتیو برای آینده ی حکومت در ایران را وارد یک دوره ی دیگری بکند.

«منشور مطالبات حدافلی» درجبهه چپ اپوزیسیون و کاربران شبکه های اجتماعی وسیعا مورد استقبال قرار گرفت و پخش گردید. احزاب چپ و کمونیست های منفرد این منشور را در صفحات اجتماعی خود و نشریات منتشر نموده و مقالاتی در تفسیر و تأیید مفاد آن نوشته شد. اما با وجود این استقبال وسیع، عده ای از فعالین چپ «منشور مطالبات حدافلی» را بدلائل مختلف از جمله امضا تشکلهایی که پشت آن بود دوافکتو پذیرفتند. همین باعث شد که در میان تشکلهای و احزاب سیاسی این منشور با نقد درون حزب و سازمانها روبرو شد. ۱۳۰۰ نفر فعال سیاسی و ۷۳ حزب و سازمان سیاسی ضمن پشتیبانی از

صادق فولادی و ندا (کفاش گلهای رنج) را زیر شکنجه کشتند!

بازنگری یک تاریخ: تابستان ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۲

بخش هفتم: فیروز، توله ی یوزپلنگ مرد

پروین کابلی

بهمن ماه سنتا ماه مانور جمهوری اسلامی است. در سالگرد انقلاب ۵۷ رژیم نیروهایش را بسیج کرده و بقول مردم سندسی ها به خیابان می آیند که نشان دهند جمهوری اسلامی هنوز نفس می کشد و نفس میگیرد. از چند سال قبل از خیزش ۱۴۰۱ صحنه های رژه ی بسیج دولتی به دلیل عدم شرکت مردم به لشکر شکست خورده ای تبدیل شده بود و بیشتر ماتریال خنده ی دورهمی های مردم را تولید میکرد. اعتراضات ماه های گذشته سال ۱۴۰۱ پایه های جمهوری اسلامی را به لرزه در آورده بود و بهمن ماه این سال می بایستی با بسیج و سازمان دادن نیروهای خودی جوابی به خیزش انقلابی بدهد. اسلام در خطر جدی بود. «ستاد هماهنگی تبلیغات اسلامی» ضمن تیریک به مردم ایران شعار های محوری فجر چهل و چهارم را با عنوان «ایران استوار، ۴۴ سال افتخار» انتخاب و برنامه ها خود را از ۱۲ بهمن تا ۲۲ بهمن اعلام نمود. هدف، کشاندن خودیها در تقابل با خیزش انقلابی بود. از ۱۲ تا ۲۰ بهمن نمایشی مضحکی اجرا شد و در بطن این دلک بازیهایی برای مردم شاخ و شانه کشیدند. ملاقات با دولت های فحیمه را در بوق و کرنا دمیدند. اما جواب خود را هم در اعتراضات شبانه گرفتند. در بیشتر شهرها با اعتراضات، بستن خیابانها و به آتش کشیدن مراکز دولتی انقلابیون خشم خود را نشان دادند. در ۱۲ بهمن خانواده های زندانیان محکوم به اعدام در مقابل زندانها تجمع نمودند، در شهرضا ساختمان دادگستری به آتش کشیده شد. در سندانج و بسیاری دیگر شهرهای کردستان خیابانها بسته شد و شعار «مرگ بردیکتاتور» در فضا موج میزد. در بلوچستان اعتراضات همچنان ادامه داشت و کمپینی برای شکستن سکوت در مقابل سرنوشت نامعلوم ۱۸۵ نفر از دستگیرشدن بلوچستان در دستور اول فعالین شبکه های اجتماعی قرار گرفت. در آبدانان مردم در خیابانها با شعار «مرگ برخامنه ای دیکتاتور» تجمع نمودند. مردم آزادیخواه جهان هنوز خیزش انقلابی را رصد می کردند. در تظاهرات بزرگ معلمان در آتن معلمان با معلمان در بند و انقلابیون اعلام همبستگی نمودند.

در این ماه حملات شیمیایی به مدارس دخترانه همچنان در دستور کار رژیم بود و هر لحظه از گوشه ای از ایران اخبار این حملات جنایتکارانه منتشر میشد. کیوان مهدی فعال و نویسنده به ۶ سال زندان محکوم شد و تعدادی از زندانیان سیاسی مانند فرنگیس مظلوم مادر سهیل عربی آزاد شدند.

در ۲ اسفند جنازه ی صادق فولادی و ندا درحالیکه دستهایش با طناب از پشت بسته شده و طناب دیگر دور گردنش بود در کجساران در کانال های شهر پیدا شد. صادق فولادی ۲۹ ساله، ۱۸ روز قبل دستگیر شده بود. صادق از چهره های چپ شهر کجساران کارگر کفاشی بود که دیوارهای شهر را با شعار «زنده باد سوسیالیسم» پرکرده بود. صادق فولادی و ندا «کفاش گلهای رنج» را همه می شناختند. روز ۴ اسفند ابراهیم ریگی پزشک اهل زاهدان که به زخمی شدگان اعتراضات کمک درمانی میکرد بعد از دستگیری بر اثر شکنجه در کلانتری ۱۲ شهر زاهدان جان باخت. فاطمه فراهتمند در میاندواب بخاطر عدم رعایت حجاب اسلامی توسط پلیس گشت به قتل رسید. پیروز توله ی یوز پلنگ هم که با تولدش به سمبل انقراض و فاجعه ی محیط زیست در ایران تبدیل شده بود در ۹ اسفند جان داد.

بازنشستگان شدند. اعتراض به حمله های شیمیایی به مدارس هم در چند تجمع فرهنگیان و بازنشستگان مطرح شد. چند نفر از فرهنگیان در این اعتراضات دستگیر شدند. در ۹ اردیبهشت هیراد پیرباغی همراه با آنیسا اسدالهی و سروناز احمدی، ریجانه انصاری، عسل محمدی، کامیار فکور و تعدادی دیگر در خانه محمد حبیبی سخنگوی کانون صنفی معلمان که در بازداشت بسر می برد دستگیر شدند. اجتماعات معلمان به تناوب در نقاط مختلف کشور تا تیر ماه ۱۴۰۲ ادامه پیدا کرد.

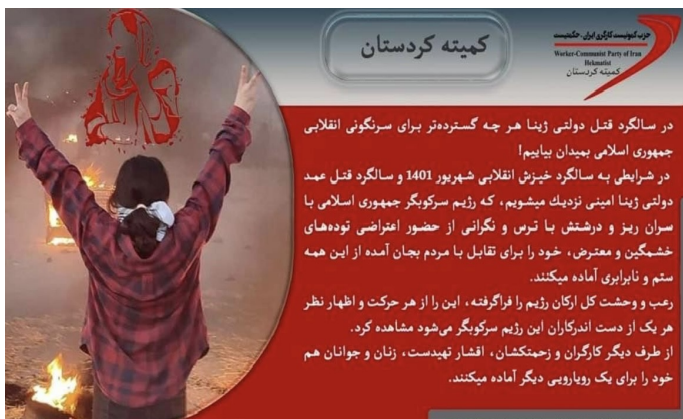
از فروردین بعد در دانشگاه ها بار دیگر حرکت های مختلفی از اعتراض به ممنوعیت تعدادی از دانشجویان از ورود به دانشگاهها، حملات شیمیایی به مدارس دخترانه و بویژه کنترل حجاب دانشجویان آغاز شد. شوراهای صنفی دانشجویان کشور طی بیانیه ای از تعلق و اخراج نزدیک به ۵۰۰ دانشجو در سراسر کشور خبر می داد و خواهان بازگشت آنها به دانشگاه شدند. تعدادی از دانشجویان جزو متهمین علیه امنیت کشور در زندانها بسر می برند. اخراجها در دانشگاه شامل تعدادی از مدرسین هم شد. در دانشگاه هنرتهران شش نفر و در اصفهان دوفتر از استادان از کار اخراج و حقوق آنها قطع شد.

در ۲۰ فروردین ۲۰۰ روز از بازداشت دو خبرنگار شجاع، الهه محمدی و نیلوفر حامدی می گذرد. کانون های روزنامه نگاران در کشورهای دیگر به دستگیری الهه محمدی و نیلوفر حامدی اعتراض می کنند و خواهان آزادی آنها شدند.

آمار دستگیرشدگان و مفقودشدگان را کسی به درستی نمیداند. سازمان های بین المللی حقوق بشر از بیش از ۲۵ هزار بازداشتی و ۱۵۰۰ نفر کشته صحبت می کنند. آمار زخمی ها و کسانیکه بینایشان را از دست داده اند دقیقاً برکسی معلوم نیست. محسنی آزه ای در ۱۴ اسفند اعلام نمود که «تعداد کسانی که مشمول عفو شده اند، اعم از دستگیرشدگان اغتشاشات و غیر اغتشاشات، اعم از آنهایی که حکمشان تقلیل پیدا کرده و تخفیف گرفتند، از مرز ۸۰ هزار نفر گذشته اند» «به نقل از سایت خبری رادیو فردا ۱۴ اسفند ۱۴۰۱»

بهار و اوائل تابستان ۱۴۰۱ در پس افزایش فقر و فلاکت عمومی در ایران صدها تجمع از طرف فرهنگیان و بازنشستگان برپا شد. در واحدهای صنعتی اعتراض به عدم افزایش دستمزدها بالا گرفت. کشاورزان در اصفهان و کرمانشاه دست به اعتراض زدند. تعداد اعتراضات پراکنده در سراسر کشور در این دوره بسیار زیاد است که در حوصله ای این نوشته نمیگنجد. به غیر از موارد نادری، اعتراضات معلمان و بازنشستگان و واحدهای تولیدی در همین دوران هم برخواستهای صنفی خود پافشاری کردند و نتوانستند با روح اعتراضی که در خیابانها در حرکت بود خود را تطبیق دهند.

در تابستان ۱۴۰۲ سرنوشت خیزش انقلابی چه خواهد شد؟
ادامه دارد.



در سالگرد قتل دولتی ژینا هر چه گسترده تر برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی بیدان باییم!
در شرایطی به سالگرد خیزش انقلابی شهرپور 1401 و سالگرد قتل عمد دولتی ژینا امینی نزدیک می شود، که رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی با سران ریز و درشتش با ترس و نگرانی از حضور اعتراضی توده های خشکیکن و معترض، خود را برای تقابل با مردم بجان آمده از این همه ستم و نابرابری آماده میکنند.
زعب و وحشت کل ارکان رژیم را فراگرفته، این را از هر حرکت و اظهار نظر هر یک از دست اندرکاران این رژیم سرکوبگر می شود مشاهده کرد.
از طرف دیگر کارگران و زمینکشان، افشار تهیدست، زنان و جوانان هم خود را برای یک رویارویی دیگر آماده میکنند.

صادق فولادی و ندا (کفاش کلهای رنج) را زیر شکنجه کشتند!

بازنگری یک تاریخ: تابستان ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۲

بخش هفتم: فیروز، توله ی یوزپلنگ مرد

پروین کابلی

منشور حداقلی از برگزاری همایشی دور آن پشتیبانی نمودند.

بعد از مدتی بحث و گفتگو در جلسات کلاب هاوسی به ابتکار عده ای از پشتیبانان این منشور تصمیم گرفته شد که همایشی در شهر کلن روز ۲۲ آپریل ۲۰۲۳ (۲ اردیبهشت ۱۴۰۲) برگزار گردد. رضا شهابی و حسن سعیدی از اعضای سندیکای شرکت واحد از زندان اوین با تکیه بر «تنها راه رهایی وحدت و تشکیلات است» به این همایش پیام دادند. خبرگزاری بی بی سی از این گردهمایی با عنوان «چپ زیر یک سقف» نام برد.

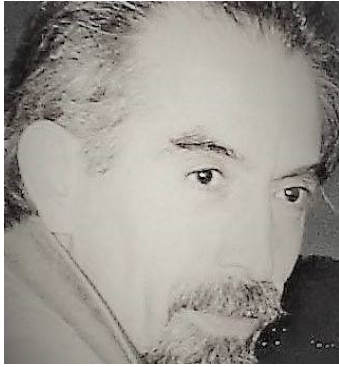
روز ۱۸ اسفند رقص دختران اکباتان به مناسبت روز جهانی زن، با ترانه « آرام باش سلنا گومز و رما» به ترند اول در شبکه های اجتماعی جهان تبدیل شد. دو روز بعد این گروه از سوی ماموران امنیتی دستگیر و با اعتراف اجباری مجبور به اظهار پشیمانی شدند. درخاش زنان بلوچستان با شعارهای رادیکال به خیابانها آمدند و در بسیاری از دانشگاه ها دانشجویان در محوطه دانشگاه دست به تجمع زدند. در خارج از ایران روز ۸ مارس از طرف فعالین چپ و سوسیالیست وسیعا با مضمون خیزش انقلابی بصورت سخنرانی و شرکت در راهپیمایی ها و تجمعهای اعتراضی وسیع برگزار گردید.

آخرین جانباخته ی اسفند شیرزاد احمدی نژاد اهل بوکان بود که روز ۲۴ اسفند زیر شکنجه جانباخت. او همراه با خالق محمود نژاد در ۲۶ بهمن دستگیر شده بودند. از سرنوشت خالق محمود نژاد هنوز خبری نیست. (به نقل از ویکی پدیا)

در ۲۴ اسفند ۱۴۰۱ سپیده قلیان بعد از چهار سال و نیم از زندان اوین آزاد شد. در توییتری قبل از آزادی نوشت «به امید آزادی عزیزانم گلرخ ایرایی، نیلوفر بیانی، سپیده کاشانی، بهاره هدایت، زهره زتاب چی، ناهید تقوی و همه زندانیان سیاسی، مخصوصاً زنان زندانی.» «دوربین تلفنهای زوم شده به درب خروجی زندان اوین، با چهره ی خندان و موهای افشان سپیده، در لباسی خاکستری با طراحی زرد رنگ، روبرو شدند. سپیده با دسته گلی در آغوش، در حالیکه دور خودش می چرخید صدایش بلند شد «خامنه ای ضحاک، میکشیمت زیر خاک.» ماموران لباس شخصی در مانده و غافلگیر از این حرکت، تلاش کردند تا او را از محوطه مقابل زندان اوین دور کنند ولی دوربینها این لحظه را ضبط کرده بودند. خنده های سپیده و شعار هایش به خانه های مردم ایران رفت. همه می دانستند که دختر سرزمین آفتاب، هفت تپه، آزاد شده است. آزادی او فقط دوساعت طول کشید. اتوموبیلی که حامل او و خانواده اش در حال بازگشت به دزفول بود در میان راه متوقف شد و سپیده دستگیر و به زندان اوین برگردانده شد. بقولی اگر نتوانستند آفتاب را به بند بکشند، میتوانند سپیده را هم زندان کنند.

برگزاری جشنهای چهارشنبه سوری و پایان سال ۱۴۰۱ در سراسر ایران با موجی از اعتراضات، پایکوبی زنان بی حجاب و حجاب سوزان همراه شد. خانواده های جان باختگان و مردم همراه آنها بر سر مزار عزیزانشان حضور پیدا کردند. از رشت و گرگان، تا شهرهای کردستان، تهران و شهرهای حومه، چهاربهار و زاهدان، مشهد مردم با شعارهای «امسال سال خونه، سید علی سرنگونه یا فقر، فساد، گرونی میریم تا سرنگونی به استقبال سال ۱۴۰۲ رفتند.

فروردین و اردیبهشت، خرداد ۱۴۰۲ با اعتراضات وسیع فرهنگیان و بازنشستگان آغاز شد. در اکثر شهرهای ایران تجمع برپا کردند و خواهان اجرا کامل رتبه بندی و بیمه کارآمد برای فرهنگیان و



خوشبختی را در اسارت جستجو می کنند. شاید باور اینکه میتوان آزاد زندگی کرد دیگر برای اینها سخت شده باشد. اما همین "دختران زینبی، بانوان حسینی" هر روز در چهاردیواری خانه شان توسط مردان خیلی مسلمان اهل صیغه تحقیر و شکنجه میشوند. آنها هرچه از تحقیر و ستم روزگار در دل انباشته اند روی سر زن آزادیخواه در خیابان خالی می کنند. امروز برای اردوی آزادی و برابری، اینها جزو نیروهای سرکوب اند و باید شرشان را کم کرد.

اما فردا، در یک جامعه آزاد و برابر و انسانی و خوشبخت، باید با این بخش بمثابه قربانیان جهالت اسلامی برخورد شود.

۳۰ مرداد ۱۴۰۲ - ۲۱ اوت ۲۰۲۳

قدرت زنان شورشی، وحشت نظام اسلامی در باره کفن پوشی "دختران زینبی، بانوان

حسینی

سیاوش دانشپور

به این لحظه های سیاست بدقت نگاه کنید. در قم، جایی که تندترین تظاهرات ها علیه جمهوری اسلامی و حجاب و بساط فقر و فساد برگزار شده است، روز ۲۹ مرداد زنان کفن پوش با عنوان "دختران زینبی، بانوان حسینی" در حمایت از حجاب اسلامی تظاهرات کردند. معنی این نمایش چیست و چه اهمیتی دارد؟

در سنت اسلامی، وقتی کسی کفن می پوشد میگوید برای مرگ آماده است و پیشاپیش نیز خود را کفن کرده است. رویه ای ارتجاعی و مذهبی که با سنتهای مبارزه اجتماعی و دنیای امروز در تناقض مهلک است. "دختران زینبی، بانوان حسینی" همان کماندهای ولگرد در خیابان و مترو و پارک و مراکز خریدند که همراه برادران مذکرشان نگهبانان نظم آپارتاید اسلامی اند. این یک نمایش دیگر از اقدامات "جنگ نرم و تبلیغاتی" است که در کنار چماق کشی خیابانی و زن کشی در زندان تصویر را کامل میکنند. البته دروغ میگویند، اینها حاضر نیستند جانشان را برای حفظ حجاب اسلامی بدهند، می بینید وقتی احساس خطر می کنند و منفعت شان در خطر است، چگونه کاسه داغ تر از آتش میشوند. اهمیت اقدام رژیم فقط عیان کردن ضعف و زبونی اش است.

ابتدا رعایت نکردن کدهای اسلامی و بقول آنها "بدحجابی"، خلاف جریان بود. الان اینطور نیست. تقابل با قوانین بصورت محدود نافرمانی مدنی، بسرعت رادیکالیزه شد و به حجاب بی حجاب، حجاب برگیران، آتش زدن حجاب، شکستن دیوارهای آپارتاید جنسی، تعرض به قوانین حاکم و بی حجابی رسید. طوق بردگی دوافکتو ورافتاد انگار که هیچوقت نبوده است. یعنی از نافرمانی مدنی رسیدیم به تعرض انقلابی، به نفی قانون حاکم، به استقرار قانون جدید و نانوشته اما جاری بقدرت خود ما. رژیم میخواهد این سنگرها را پس بگیرد و کل جار و جنجال حکومت برسر همین است.

بسمتی میرویم که حجاب داشتن خلاف تمایل و تصویر عمومی جامعه است. کم نیستند زنانی که برای درگیر نشدن و بدلیل اجبارهای اقتصادی، بصورت فرمال طوق حجاب اسلامی را کمابیش حمل می کنند اما دلشان با زنان شورشی و برابری طلب است.

حالا حکومت است که "اپوزیسیون" شده است. رژیم با هزار شیوه از موجودیت اش دفاع میکند. خامنه ای در تهران و طالبان در کابل برسر سرکوب زنان و بردن جامعه به قعر جهالت اسلامی در رقابتی میلیمتری اند. زنان شورشی در ایران زیر این بساط تحجر زده اند و حکومتی ها با چنگ و دندان در موضع دفاع به این تشبثات متوسل شده اند. این قدرت زنان شورشی و ضد آپارتاید و ضد دین است که داد و فغان هرچه دایناسور- آخوند را درآورده و ناچار به این مسخره بازی ها شدند.

"دختران زینبی" و "بانوان حسینی" که از برادران مذکرشان ضد زن ترند، بسان برده هایی میمانند که به بردگی خویش مفتخرند و



نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!

اعلامیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

در مقابل موج احضار و بازداشت و تهدیدهای رژیم باید ایستاد!

سالگرد خیزش انقلابی شهرپور، کابوس سران جمهوری اسلامی است

جمهوری اسلامی و سران ریز و درشت آن به وضوح اعتراف میکنند که سالگرد خیزش انقلابی شهرپور کابوس بزرگ آنها است. از مدتها قبل خود را برای مقابله با گرامیداشت این مناسبت، ارج گذاری دستاوردهای خروش انقلابی یکساله اخیر و یاد مهسا امینی (ژینا) و همه جانبختگان تشنه آزادی آماده میکنند. متوجه اند اقدامات پشت سرهم سرکوبگرانه آنها در این یکسال شامل گرفتن جان نزدیک به هزار انسان مبارز، سی هزار بازداشتی و هزاران مسموم و فلج شده و افراد تحت تعقیب، نه تنها روحیه و شرایط انقلابی را از جامعه نگرفته بلکه انزجار و نفرت مردم را به نقطه انفجاری مجدد رسانده و کل نظامشان را ضربه پذیرتر کرده است. سقوط جمهوری اسلامی کابوس دائمی آنهاست. هذیان ها و اقدامات سراسیمه و هر روزه خامنه ای جلاد و سران سپاه و سه قوه و کل دم و دستگاه جمهوری اسلامی این واقعیت را منعکس میکند. رژیم در مانده مداوم در حال اجرای مجموعه متعددی از ترندها و مانورهای سرکوبگرانه و تحمیق و تهدید و صدور احکام زندان و اخراج از کار در مقابل مردم بیدار شده و سرنوشتی طلب است. لایحه جدید "حجاب و عفاف"، گسیل مجدد گشت ارشاد و ایجاد نیروی ویژه تحمیل حجاب، پمپاژ خرافه و جهل اسلامی در مقیاس وسیع در جامعه، توجیه و تهدید سرسپردگان نظام و صفوف فرماندهان نیروهای نظامی و سپاه و بسیج و ارتش، برای جلوگیری از گسیختگی درونی در همین راستا است. مانورها و آماده باشهای پشت سرهم جهت آماده کردن کل ماشین سرکوب برای مقابله با اعتراضات مردم دغدغه شب و روز آنها است.

علیرغم تمهیدات تاکنونی، هر چه به سالگرد خیزش انقلابی نزدیکتر میشویم، وحشت آنها از خروش مجدد توده به خشم آمده آشکارتر میشود. این را در عکس العمل به زعم خودشان "پیشگیرانه" و اقدامات سرکوبگرانه هفته های اخیر جانیان اسلامی حاکم میتوان دید. تشدید شرایط امنیتی و موج وسیع احضارها و بازداشتها و تهدیدها و اخراج ها و پرونده سازی، احضار و تهدید حدود سه هزار دانشجو و اخراج استادان ایستاده در کنار دانشجویان مبارز و ترفند استخدام پانزده هزار کارکن مزدور و خشکه مذهبی به نام "استادان همسو" در دانشگاهها، تهدید و اذیت و آزار خانواده های جانبختگان و بسیاری اقدامات محدود کننده در این روزها، به منظور مقابله با خروش انقلابی مجدد زنان و مردان و نسل جوان آزادیخواه و انقلابی است که در طول یکسال گذشته نه تنها مرعوب نشده اند، بلکه با اتکا به تجارب مبارزاتی به دست آمده و با هوشیاری بیشتر برای تعرض دوباره به سرپای جمهوری اسلامی خود را آماده میکنند.

در آستانه سالگرد خیزش انقلابی، جمهوری اسلامی با تنفر و انزجار اکثریت عظیم جامعه ایران روبرو است. ترس از انفجار مجدد مبارزاتی در سالگرد قتل مهسا امینی و در مبارزه علیه فقر و گرانی و تداوم مبارزه علیه حجاب اسلامی تا به فرجام رساندن نهایی، مبنای اصلی امنیتی کردن جامعه و شدت بخشیدن به اقدامات سرکوبگرانه از جانب جمهوری اسلامی است. در مقابل، ایستادگی در مقابل موج بازداشتها و تهدیدات و اخراجها، خود بخش مهمی از تدارک خروش مجدد توده ای و اجتماعی در مقابل این رژیم هار از جانب جنبش آزادیخواهان و انقلابی است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست مردم جان به لب رسیده را به مقاومت و مبارزه متحدانه و سازمانیافته و هدفمند در مقابل موج بازداشتها و سرکوبگری جمهوری اسلامی فرامیخواند. توقع ما از رهبران و فعالین سوسیالیست جنبش کارگری، فعالین جنبش برابری طلب زن و مرد، رهبران و فعالین جنبشهای اجتماعی رادیکال و نسل جوان پرشور اینست با سنجیدگی و هوشیاری و سازمانیافتگی بیشتر، با ایجاد اتحاد و همگامی در محل کار و محله، در دانشگاه و مدرسه و خیابان در مقابل توطئه های سرکوبگرانه رژیم اسلامی بایستیم. برای ارج گذاری به جانفشانها، فداکاریها و دستاوردهای خیزش یکساله اخیر با آمادگی بیشتر پتانسیل اعتصابی و اعتراضی کارگری و توده ای را به میدان بکشیم. شبکه همگام و متحد شده رهبران و فعالین جنبش کارگری و جنبش توده ای و جنبشهای اجتماعی رادیکال میتواند محور به میدان کشیدن کل پتانسیل اعتراضی علیه جمهوری اسلامی باشد.

در خارج کشور نیروهای چپ و کمونیست و همه آزادیخواهان را به آکسیونها و ابتکارات و اقدامات اعتراضی موثر علیه موج بازداشتها و کلیت جمهوری اسلامی فرامیخوانیم. در این راستا حزب حکمتیست در همگامی با دیگر نیروهای چپ و کمونیست میکوشد با سازماندهی متینگ های اعتراضی و دیگر اقدامات مبارزاتی در مقابل موج تهدید و سرکوب جاری سدی ایجاد کنیم.

زندان، سرکوب، شکنجه دیگر اثر ندارد!
مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۲۴ اوت ۲۰۲۳ - ۲ شهریور ۱۴۰۲

زنده باد شوراهای!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراهای را برپا کنید!
امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

مرگ بر سرمایه داری!

دادگاه نه اکیداً برای دفاع از خود که برای مقاومت برای آنچه که مردم با جنبش خود به دست آورده اند بود. در آخر از دو وکیل شجاع و شریف خواهرم آقایان امیر ریسیان و جمال حیدری منش سیاسگزاریم که همواره کنار مردم بوده اند.

22 آوت 2023



سپیده قلیان
بدون حجاب به دادگاه رفت و به صورت بازجو-خبرنگار تف انداخت



هفت تپه - کانال مستقل کارگران

پیام دریافتی در مورد دادگاهی سپیده قلیان

صبح امروز ۳۱ مردادماه ۱۴۰۲ و برای چندمین بار دادگاه مجدد رسیدگی به شکایت آمنه سادات ذبیح پور علیه خواهرم سپیده قلیان در شعبه ۱۲۰۷ کیفری دو مجتمع قضائی کجویی برگزار شد. این جلسه قرار بود به صورت علنی برگزار شود اما سپیده حجاب اجباری در دادگاه را نپذیرفته و دادگاه به صورت غیر علنی برگزار شده است. بالاخره پس از چندین جلسه دادگاه شخص شاکي خانم ذبیح پور هم به دستور قاضی در دادگاه حاضر شده بود.

در فاصله ی بین دادگاه قبلی تا امروز به دلیل نامشخص، قاضی جلسه قبل دادگاه که خانم ذبیح پور را ملزم به حضور در دادگاه کرده بود، تغییر کرده و رسیدگی به پرونده به قاضی جدیدی محول شده بود.

خانم ذبیح پور از همان بدو ورود به جلسه دادگاه طرح اتهاماتی از قبیل «جاسوسی» و «اغتشاشگری» را علیه خواهرم آغاز کرد و البته به تهدید سپیده ادامه داد. او احتمالاً فراموش کرده بود در دادگاه، نه به عنوان مرجع صدور حکم که به عنوان شاکي حضور دارد. وی در مقابل پرسش وکلای سپیده در رابطه با «مجوز ساخت مستند طراحی سوخته»، پاسخی نداشت. سپیده در این دادگاه از خبرنگاران شریفی همچون «نیلوفر حامدی» و «الهه محمدی» یاد کرد که خانم ذبیح پور آنها را نیز جاسوس اسرائیل و آمریکا خواند. خانم ذبیح پور همچنین بارها به حضور بدون روسری سپیده در دادگاه اعتراض کرد که قاضی دادگاه در پاسخ اعلام کرد به دلیل حضور بدون حجاب در دادگاه برای بار دوم برای سپیده قرار مجرمیت صادر میکند. آمنه سادات ذبیح پور در این دادگاه مدعی شد که مردم او را دوست دارند و او حرف مردم را میزند.

سپیده هم در پایان دادگاه و به گفته خودش از طرف «مردم»، در صورت وی تف کرد. به گفته ی سپیده تهدید و اتهام زنیهای خانم ذبیح پور در دادگاه مصادیقی از رفتارهای غیر قانونی و از موضع قدرت او هستند. علاوه بر این سپیده با یادآوری اطلاعیه قبلی خود گفت حضور او مصادیقی از رفتارهای غیر قانونی و از موضع قدرت او هستند علاوه بر این سپیده با یادآوری اطلاعیه ی قبلی خود گفت حضور او در این

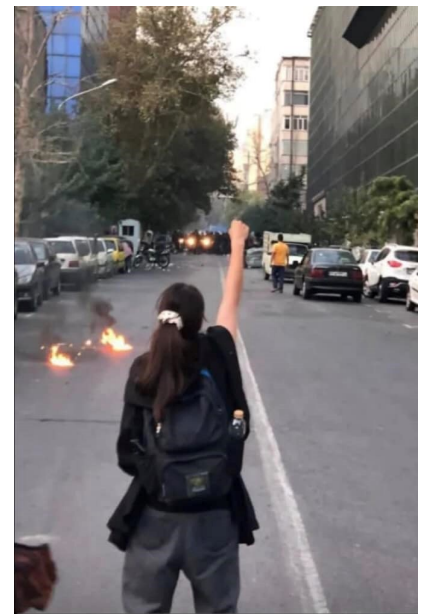
انقلاب ادامه دارد

در سالگرد خیزش انقلابی
شهریور به خیابان بیابیم

DEMO

Freitag, der 15.09.2023
von 16.00 Uhr bis 18.00 Uhr
Köln, Breslauer Platz

فراخوان از طرف احزاب و سازمانهای چپ و کمونیست



زننده باد آزادی، برابری، رفاه همگانی!



با اعتراضات و اعتصابات و دست آخر با یک انقلاب دگرگون کننده خواهید گرفت و انگاه همه شماها را به جرم جنایت علیه بشریت یک به یک در دادگاههای علنی محاکمه و مجزات خواهیم کرد.

در سالگرد خیزش شهریور ۱۴۰۱ فعالین جنبش آزادی زن، جنبش کارگری، معلمان مبارز، دانشجویان و جامعه انقلابی به تنگ آمده از حکومت اسلامی ضمن گرامیداشت سالگرد جان باختگان راه آزادی و برابری در این خیزش مردمی و طبقاتی، با مطرح کردن خواستههای واقعی و طبقاتی خود با صفی متحد و یکپارچه به مبارزه برای سرنگونی رژیم هار اسلامی - سرمایه ادامه دهیم.

خطاب به سران رژیم جنایتکار اسلامی

نگفتیم جوابتان را هر روز خواهید گرفت!؟

امیر عسگری

پس از لغو دادگاه سپیده قلیان فعال جنبش آزادیخواهی و برابری به دلیل عدم موافقت وی با پوشیدن حجاب اسلامی در دادگاه، دست آخر این بار دادگاهی او بدون حجاب اسلامی جهت رسیدگی به شکایت بازجو خبرنگار آمنه سادات ذبیح پور ۳۱ مرداد ۱۴۰۲ برگزار شد. ذبیح پور بار دیگر با ادبیات سخیفانه جمهوری اسلامی به وارد کردن اتهاماتی مضحک و نخ نما از جمله جاسوسی برای اسرائیل و همچنین وصل کردن فعالیت های آزادیخواهانه سپیده قلیان به احزاب و سازمانهای مختلف پرداخت.

ذبیح پور، خبرنگار قلابی ای که چیزی جز ساختن مستندهای ساختگی علیه فعالین آزادی خواه و برابری طلب چیزی در چپته ندارد، این بار در دادگاه همراه با اعتراض به حضور بی حجاب سپیده قلیان، مدعی شد که مردم او را دوست دارند و حرف دل جامعه را میزند. در پایان دادگاه، سپیده قلیان دلاورانه از سوی «مردم» (بر صورت کریه این بازجو خبرنگار تف کرد.

اقدام سپیده قلیان از موضع قدرت، اقدامیست ستودنی و تحسین برانگیز که علی رغم فشارهای روز افزون همچون مثنی سنگین بر دهان آمنه سادات ذبیح پور، دستگاه های سرکوب، رئیسی جلا، خامنه ای و تک تک سران حکومت جنایتکاران اسلامی فرود آمد.

مقاومت سپیده قلیان حضور بدون حجاب و اعلام اینکه برای دفاع از اتهامات وارده به این دادگاه نیامده است، خود اقدامی درست در عرصه مبارزات علیه زندان، شکنجه و فشارهای قضایی است.

آمنه سادات جزئی از دستگاه پروپاگاندا حکومت ابراهیم جلا رئیسی و رهبر الدنگشان خامنه ای است و هر اقدامی از این دست همچون رفتار انقلابی سپیده در دادگاه، مثنی است که بر پیکره حکومت هار اسلامی وارد می شود. دادگاه سپیده قلیان درست یک هفته بعد از سخنرانی رئیسی برگزار شد، سخنرانی که در آن از خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ به عنوان «اغتشاشات» نام برد و ضمن تهدید به سرکوب معترضین و منتسب کردن انقلابیون بازداشت شده و یا کشته شده به دستگاههای اطلاعاتی غربی، از این خیزش انقلابی و طبقاتی به عنوان "ظلم و ستم بر مردم یاد کرد."

رئیسی نگفتیم؛ مردم انقلابی بر دهانتان خواهند زد؟ نگفتیم شما هار علارغم سرکوب و وحشیگری نمی توانید خیزش انقلابی ۱۴۰۱ را مهار کنید و این زنان، طبقه کارگر و دانشجویان و ما هستیم که هر روز بر دهانتان خواهیم کوبید!؟

اقدام جسورانه دختر مبارز طبقه کارگر سپیده قلیان، نمونه ای از جسارت و شهادت انقلابی است که در جامعه روز به روز تکثیر می شود و بر دهان سران رژیم می کوبد و خواب را از آنان حرام کرده است. سپیده کسی بود که بعد از آزادی از زندان هنوز ده قدم از اسارت گاه دور نشده بود که ببا جسارت فریاد زد "خامنه ای ضحاک، می کشیمت زیر خاک"

اما خطاب به ذبیح پور

قطعا جوابتان را هنوز درست نگرفته اید. جواب شما اعوان و انصار جمهوری اسلامی فقط یک تف نیست که بر صورتت کوبیده شد، بلکه جواب اصلی را شماها مزدوران و همه سران جمهوری اسلامی بزودی و دوباره در خیابانها، دانشگاهها، مدارس و مراکز کارگری



سپیده قلیان

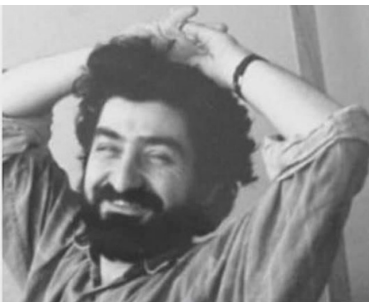
بدون حجاب به دادگاه رفت و به

صورت بازجو-خبرنگار تف انداخت

اسلام و اسلام زدایی

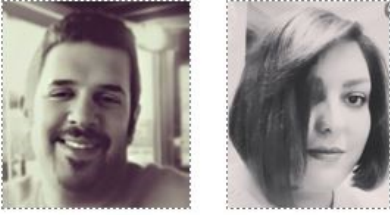
منصور حکمت

ژانویه ۱۹۹۹



فرد در اسلام، چه راستین و چه غیر آن، بی حقوق و بی حرمت است. زن در اسلام برده است. کودک در اسلام در ردیف احشام است. عقیده آزاد در اسلام معصیت و مستوجب عقوبت است. موسیقی فساد است. سکس، بدون جواز و بدون داغ مذهب بر کپل مرتکبیش، گناه کبیره است. این دین مرگ و خون و عبودیت است

کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!



ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کهر

اعلامیه خبری ۶

بخشی از کارگران زندانی آق دره آزاد شدند

سادات ذبیح پور در این دادگاه مدعی شد که مردم او را دوست دارند و او حرف مردم را میزند. سپیده هم در پایان دادگاه و به گفته خودش از طرف "مردم"، در صورت وی تف کرد. به گفته سپیده تهدید و اتهام زنیهای خانم ذبیح پور در دادگاه مصادیقی از رفتارهای غیر قانونی و از موضع قدرت او هستند. علاوه بر این سپیده با یادآوری اطلاعات قبلی خود گفت حضور او در این دادگاه نه اکیداً برای دفاع از خود که برای مقاومت برای آنچه که مردم با جنبش خود به دست آورده اند بود. در آخر از دو وکیل شجاع و شریف خواهرم آقایان امیر ریسیان و جمال حیدری منش سیاسگزاریم که همواره کنار مردم بوده اند.

کارگران نفلین سینیت کلیبر دست به اعتراض زدند

کارگران مجتمع نفلین سینیت کلیبر روز یکشنبه ۲۹ مردادماه ۱۴۰۲ در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلاتشان دست به اعتراض زدند. پس از درگیری‌های لفظی زیاد حول اختلافات با کارفرما و متشنج شدن اوضاع، تعدادی از کارگران در اثر فشار روحی دچار بدحالی شده و راهی بیمارستان شدند. پس از این اتفاق مسئولین دولتی شهرستان وارد عمل شده و با ۸ نفر از نمایندگان کارگران و مدیران شرکت نفلین سینیت در محل فرماندهی انتظامی کلیبر وارد مذاکره شدند.

سه ماه از بلاتکلیفی کارگران تعدیلی "داروگر تهران" گذشت

حدود سه ماه از بلاتکلیفی شغلی نزدیک به ۵۰ کارگر تعدیلی کارخانه داروگر تهران می‌گذرد و طبق گزارش کارگران، فعالیت این کارخانه با ۳۳ کارگر همچنان ادامه دارد. کارگران تعدیلی نیز در خارج از کارخانه پیگیر وصول مطالبات خود هستند. کارخانه داروگر تهران که در ۱۷ کیلومتر جاده قدیم تهران به کرج واقع شده است، از روزهای نخست خرداد ماه سال جاری به دلیل مشکلات مالی برای چندمین بار به حالت تعطیلی موقت درآمد، بنابراین کارگران شاغل در آن قبل و بعد از تعطیلی، طی چند مرحله تعدیل و بیکار شدند که در نهایت حدود ۵۰ کارگر با سوابق حداقل ۱۰ و حداکثر ۲۵ سال با ثبت شکایت در سامانه جامع روابط کار پیگیر مطالبات خود هستند.

کارگران می‌گویند هیچ جا دلیل سنی برای ما کار پیدا نمیشود، بیکاری مشکلات معیشتی زیادی برای ما فراهم آورده، برخی از همکاران ما با دستفروشی، مسافركشی و نگهداری واحدهای تولیدی و مسکونی، معیشت خود را تامین می‌کنند. مسئولان استانی هم توجهی به وضع وخیم ما ندارند. در این میان مدیریت شرکت داروگر دستمزد کارگران موجود را هم نمی‌پردازد و اعلام کرده کارگرانی می‌توانند به کارخانه بازگردند که شرایط نامناسب مالی کارخانه را بپذیرند یعنی کار کنند و دستمزد نگیرند. این وضع کارگرانی است که سالهای طولانی عمر خود را در این کارخانه سپری کرده‌اند و هر یک از کارگران بیکار شده حداقل ۱۰ یا حداکثر ۲۵ سال سابقه کار دارند. همینطور کارگران مطالبات سنوای، اضافه کار، حق مرخصی‌های چندین ماهه و دستکم ۱۰ ماه حق بیمه پرداخت نشده طلبکارند و بعد از سه ماه بیکاری هنوز هیچیک از کارگران تحت پوشش بیمه بیکاری قرار نگرفته‌اند.

صفحه ۱۴

بنا به اخبار دریافتی بیشتر بازداشتی‌های روستای آق دره طی دو روز گذشته با قید وثیقه آزاد شدند. بدنبال شکلگیری اعتراض مردم آق دره و درگیری نیروهای حراست و انتظامی با جوانان و کارگران معترض در یکشنبه ۸ مردادماه، سپس یورش نظامی یگان‌های سرکوب در بامداد دوشنبه ۹ مردادماه، مجموعاً ۶۰ نفر از اهالی آق دره بازداشت شدند. در این روز مردم آق دره مورد ضرب و شتم ماموران سرکوب قرار گرفتند، وسائل و پنجره و شیشه ماشین‌ها را شکستند و همه مردان را بازداشت کردند. در دو روز گذشته بجز ۶ نفر همه بازداشتی‌ها که در زندان ارومیه بازداشت بودند، با قید وثیقه آزاد شدند.

دو نفر از خانواده تیموری آفتابیها و دو نفر از مومنی زاده‌ها جزو کسانی هستند که فعلاً زندانی میباشند و هنوز هم ملاقات ندارند. در سه هفته‌ای که این کارگران در زندان و اطلاعات ارومیه تحت بازجویی بودند، تحت انزیت و آزار قرار گرفتند و چند نفر از آنان بشدت شکنجه شده‌اند.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۳۰ مرداد ۱۴۰۲ - ۲۱ اوت ۲۰۲۳

دادگاه کذایی سپیده قلیان برگزار شد

به نقل از اینستاگرام مهدی قلیان: صبح روز ۳۱ مردادماه ۱۴۰۲ و برای چندمین بار دادگاه مجدد رسیدگی به شکایت آمنه سادات ذبیح پور علیه خواهرم سپیده قلیان در شعبه ۱۲۰۷ کیفری دو مجتمع قضائی کجویی برگزار شد. این جلسه قرار بود به صورت علنی برگزار شود اما سپیده حجاب اجباری در دادگاه را نپذیرفته و دادگاه به صورت غیر علنی برگزار شده است. بالاخره پس از چندین جلسه دادگاه شخص شاکلی خانم ذبیح پور هم به دستور قاضی در دادگاه حاضر شده بود. در فاصله بین دادگاه قبلی تا امروز به دلیل نامشخص قاضی جلسه قبل دادگاه که خانم ذبیح پور را ملزم به حضور در دادگاه کرده بود، تغییر کرده و رسیدگی به پرونده به قاضی جدیدی محول شده بود. خانم ذبیح پور از همان بدو ورود به جلسه دادگاه طرح اتهاماتی از قبیل "جاسوسی" و "اغتشاشگری" را علیه خواهرم آغاز کرد و البته به تهدید سپیده ادامه داد. او احتمالاً فراموش کرده بود در دادگاه، نه به عنوان مرجع صدور حکم که به عنوان شاکلی حضور دارد. وی در مقابل پرسش وکلای سپیده در رابطه با "مجوز ساخت مستند طراحی سوخته"، پاسخی نداشت. سپیده در این دادگاه از خبرنگاران شریفی همچون "نیلوفر حامدی" و "الله محمدی" یاد کرد که خانم ذبیح پور آنها را نیز جاسوس اسرائیل و آمریکا خواند. خانم ذبیح پور همچنین بارها به حضور بدون روسری سپیده در دادگاه اعتراض کرد که قاضی دادگاه در پاسخ اعلام کرد به دلیل حضور بدون حجاب در دادگاه برای بار دوم برای سپیده قرار مجرمیت صادر میکند. آمنه

کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!

سیلندر گاز بودند، بدلیل فقدان ایمنی کار، سیلندرها منفجر و آتش سوزی رخ میدهد که این دو کارگر به شدت دچار مصدومیت شدند و یکی از آنها به دلیل شدت جراحات وارده در همان لحظات اول جان خود را از دست داده است.

تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی

روز یکشنبه ۲۹ مردادماه ۱۴۰۲، بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش، اهواز، فولاد اصفهان، کرمانشاه و شوشتر در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً مقابل سازمان تأمین اجتماعی این شهرها دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

اجتماع و اعتراض بازنشستگان مخابرات استان‌ها

روز دوشنبه ۳۰ مردادماه ۱۴۰۲، جمعی از بازنشستگان مخابرات اهواز، کرمانشاه، اراک، مشهد، رشت، ایلام، بندرعباس و تهران، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله اجرای کامل آئین‌نامه پرسنلی و استخدامی سال ۸۹ و رفع مشکلات بیمه درمانی، مطابق تجمعات هر هفته ای دوشنبه‌های اعتراضی، مجدداً دست به گردهمایی زدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان کشوری استان‌ها

روز سه‌شنبه ۳۱ مردادماه ۱۴۰۲، جمعی از فرهنگیان بازنشسته و دیگر بازنشستگان کشوری کرج، اهواز، سنندج، ایلام، کرمانشاه، قزوین، اردبیل، پلدختر، شهرکرد، سمنان، خرم‌آباد، البرز و تهران مجدداً و مطابق با سه‌شنبه‌های اعتراضی و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند. در همین روز تعدادی از بازنشستگان فرهنگی در یزد و شیراز نیز در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان مقابل ساختمان صندوق بازنشستگان کشوری دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی معولان مقابل شورای شهر تهران

روز یکشنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۲ جمعی از معولان در اعتراض به واگذاری و جابجایی سامانه حمل و نقل جانبازان و معلولین مقابل شورای شهر تهران تجمع کردند. این سومین تجمع اعتراضی معولان در یک ماه اخیر است. دو تجمع قبلی منجر به مصوبه شورا مبنی بر منوط شدن هرگونه تغییر در سامانه با اجازه شهردار شده بود اما شهردار به مصوبه شورا اعتنایی نکرده و ناوگان حمل و نقل را به مکان دیگری انتقال داده است.

بازداشت گسترده زنان فعال گیلان

ماموران امنیتی جمهوری اسلامی چهارشنبه ۲۵ مرداد جمعی از زنان فعال گیلان را با یورش به خانه‌هایشان بازداشت کردند. در حالی که روزها از بازداشت جمعی از فعالان حقوق زنان در گیلان می‌گذرد، نه تنها خانواده‌ها از محل نگهداری فرزندان‌شان بی اطلاع هستند که از طرف نهادهای امنیتی برای در اختیار گذاشتن پسورد گوشی همراه بازداشت‌شدگان تحت فشار هستند. فعالان حقوق زنان زهره و زهرا دادرس، جلوه جواهری، فروغ سمیع‌نیا و متین یزدانی (عکاس) در رشت، یاسمین حشدری (شاعر) در انزلی، نگین رضایی در فومن و شیوا شاه‌سیاه، گرافیس ساکن لاهیجان و واحده خوش‌سیرت در لاهیجان از بازداشتی‌های روز چهارشنبه هستند. بیشتر این فعالان حقوق زنان با یورش نیروهای امنیتی به خانه‌هایشان بازداشت شدند.

ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

کارگران پتروشیمی چوار ایلام توبیخ شدند

کارگران پتروشیمی چوار ایلام می‌گویند: وعده‌های مدیران پتروشیمی برآورده نشده است. کارگران شرکتی پتروشیمی چوار ایلام از عدم تحقق وعده‌های مدیران انتقاد کردند. به گفته آن‌ها، طرح طبقه‌بندی مشاغل و ساماندهی قراردادهای چوار ایلام ماه قبل انجام شود ولی هنوز خبری از عمل به وعده‌ها نیست و همچنان صدها کارگر شرکتی بلا تکلیف مانده‌اند. این کارگران می‌گویند: نه تنها به وعده‌ها عمل نکردند بلکه بعد از خودکشی یک کارگر در ماه گذشته، تعدادی از کارگران معترض ممنوع‌الورود و توبیخ شدند؛ این در حالیست که قرار شده بود به دلایل خودکشی کارگر رسیدگی شود. ماه گذشته "حیدر محسنی" از کارگران شرکتی پتروشیمی چوار خود را حلق آویز کرد.

مرگ و مصدومیت دو کارگر در تبریز و رشت

روز پنج‌شنبه ۲۶ مرداد یک کارگر به نام مهدی محمودی، اهل روستای داریان و ساکن دوریسان از توابع پاوه در تبریز جان باخت. مهدی محمودی ۱۷ مرداد بر اثر سقوط از ارتفاع در حین کار، به بیمارستان منتقل شده بود و روز گذشته بر اثر جراحات وارده جان خود را از دست داد. بر اساس گزارشی دیگر یک کارگر مرد ۳۳ ساله طی حادثه‌ای، پای راست و قسمتی از بدنش در دستگاه ماریچیک واحد تولیدی در شهرک صنعتی سیبدرود رشت گیر کرد. گروه‌های امدادی پس از خارج کردن او از داخل دستگاه، تثبیت شرایط بیمار را با کمک تیم اورژانس انجام دادند و او را به مرکز درمانی منتقل کردند. سازمان پزشکی قانونی ایران مرگ ۱۹۰۰ کارگر بر اثر "حوادث کاری" را در سال ۱۴۰۱ ثبت کرده است. اما وزارت کار تنها ۷۱۱ مورد مرگ ناشی از کار را تایید می‌کند. اختلاف بیش از ۱۱۰۰ نفری آمارهای این دو نهاد حکومتی نشان می‌دهد که بخش زیادی از حوادث کاری مرگبار در کارگاه‌های خارج از شمول قانون کار، رخ می‌دهد که کارگران آن‌ها نه قرارداد کاری دارند و نه بیمه هستند.

خودکشی کارگر اخراجی پالایشگاه در آبادان

یک کارگر اخراجی با طناب دار به دلیل فقر و بی‌پولی در آبادان خودکشی کرد. در پی اعلام وقوع یک فقره حلق آویزی به مرکز پلیس ۱۱۰ آبادان در ساعت تقریبی ۷:۳۰ دقیقه روز چهارشنبه ۲۵ مرداد ماه در منطقه سیکلین آبادان بلافاصله مأموران کلانتری ۱۶ امیرکبیر به‌مراه نیروهای امدادی به محل اعزام شدند. مأموران در محل مشاهده کردند پسر ۳۵ ساله در زمانی که خانواده اش در خواب بودند با استفاده از طناب خود را حلق آویز کرده و به زندگی خود پایان داده است. خانواده وی عنوان داشتند که فرزندشان کارگر اورهالی و روز مزد پالایشگاه نفت آبادان بوده و مدتی است که اخراج شده بود.

دو کارگر بر اثر انفجار سیلندر گاز مایع کشته و زخمی شدند

دو کارگر بر اثر انفجار سیلندرهای گاز مایع در یک کارگاه صنعتی در زرین شهر اصفهان کشته و زخمی شدند. بعدازظهر روز دوشنبه ۲۰ مردادماه دو کارگر بر اثر آتش‌سوزی و انفجار سیلندرهای گاز مایع در یک کارگاه صنعتی در خیابان سجاد زرین شهر اصفهان کشته و زخمی شدند. این حادثه در یکی از کارگاه‌های محل نگهداری و شارژ سیلندرهای گاز رخ است. دو کارگر که در این سوله مشغول پرکردن

ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سیده امیرعسگری و آرش کله

این دستگیری‌ها در آستانه سالگرد قتل ژینا (مهسا) امینی صورت گرفته است. در یک سال گذشته دستگاه امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی سرکوب فعالان حقوق زنان را شدت بخشیده است.

بازداشت گسترده خانواده جانب‌اختگان خیزش انقلابی

روز پنجشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۲، کوروش وزیری همسر شیرین علیزاده از جانب‌اختگان جنبش انقلابی سال گذشته توسط نیروهای حکومتی در اصفهان بازداشت شد. شیرین علیزاده ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ در جاده چالوس به تنهایی در مقابل دیدگان فرزند هفت ساله‌اش با شلیک مستقیم نیروهای حکومتی کشته شد. روز سه شنبه ۳۱ مردادماه نیز شرمین حبیبی همسر فریدون محمودی از جانب‌اختگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. در همین روز مأموران امنیتی به خانه ماشالله کرمی نیز هجوم برده و ایشان را دستگیر و به مکان نامعلوم برده اند. پس از بازداشت پدر محمد مهدی وکیل این خانواده امیر حسین کوهکن نیز بازداشت شد. روز چهارشنبه یکم شهریور ۱۴۰۲، حجت‌اله رافعی توسط مأموران اطلاعات سپاه در منزل شخصی خود در شهرستان شهریار توسط مأموران اطلاعات سپاه بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. محمد زاهدی، شهروند اهل بهبهان روز سه شنبه ۳۱ مردادماه، به شعبه چهارم دادرسی این شهر احضار شد. این شهروند پس از تفهیم اتهام بازداشت و به زندان بهبهان منتقل شد. روز اول شهریور، مأموران جمهوری اسلامی به منزل لیلا مهدوی مادر سیاوش بورش برده و پس از تفتیش خانه برخی وسایل شخصی وی از جمله تلفن همراهش را ضبط کردند. همزمان وی برای روز شنبه چهارم شهریور به دادرسی اوین احضار شده است. در روزهای اخیر تعدادی از خانواده‌های جانب‌اختگان از جمله مهسا یزدانی مادر جانب‌اخته محمدجواد زاهدی، کوروش وزیری و نسرين علیزاده همسر و خواهر جانب‌اخته شیرین علیزاده، ماشالله کرمی پدر جانب‌اخته محمدمهدی کرمی، شرمین حبیبی همسر جانب‌اخته فریدون محمودی و فرامرز براهویی برادر جانب‌اخته اسماعیل براهویی بازداشت شدند. تاکنون برخی از بازداشتی‌ها مانند شرمین حبیبی با قرار وثیقه موقتا آزاد و برخی نیز هنوز در بازداشت به سر می‌برند. همزمان تعداد زیادی از خانواده‌ها نیز با احضار و تهدید از سوی نهادهای امنیتی روبرو شدند.

صدور حکم زندان و تبعید برای پیمان فرهنگیان

چهارشنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۲ دادگاه کیفری دو شهرستان آستانه اشرافیه رای غیابی خود را علیه پیمان فرهنگیان، شاعر و فعال کارگری صادر کرده است. یک سال حبس تعزیری به اتهام "تبلیغ علیه نظام" دو سال تبعید به زابل در استان سیستان و بلوچستان، مسدود کردن حساب اینستاگرامی و ممنوع الخروجی به مدت دو سال اعلام شده است. به گفته وکیل مدافع پیمان فرهنگیان آقای تاج؛ امکان به جریان در آمدن ۷ سال حکم حبس تعزیری وجود دارد. این امکان به دلیل عدم امضا کردن عفو رهبری از سوی این فعال کارگریست. در رابطه با حکم صادره وکلای پیمان فرهنگیان، آقایان نیلی و تاج به دادگاه تجدید نظر اعتراض خود را ارائه خواهند داد.

تایید حکم ۵ سال زندان جعفر ابراهیمی

جعفر ابراهیمی بازرس شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان که همراه تعداد زیادی از معلمان در آستانه تجمع اعتراضی یکم اردیبهشت ۱۴۰۱ بازداشت شده بود و کماکان در زندان اوین به سر میبرد توسط شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر به ۵ سال زندان محکوم شد. به گفته وکیل ایشان آقای عرفان کرم ویسی بنابر ابلاغیه شعبه ۳۶ تجدید نظر ضمن نقض آرا پیشین مبنی بر تجمع و ادغام پرونده‌های جریانی مجازات‌اشد اتهام اجتماع و تبانی (۵سال) ایشان تایید شد که از این مدت طبق بخشنامه کاهش مجازات ۲ سال آن قابلیت اجرایی دارد.

کیوان صمیمی به ۶ سال حبس محکوم شد

مصطفی نیلی، وکیل کیوان صمیمی روزنامه‌نگار، خبر داد: "رای صادره از شعبه ۲۹ علیه آقای کیوان صمیمی در شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر تهران تایید شد و ایشان به شش سال حبس محکوم شدند که ۵ سال آن قابل اجرا است".

تایید حکم اخراج دائم از کار محمد سعیدی ابواسحاقی

هیات تخلفات وزارتخانه آموزش و پرورش حکم انفصال دائم و اخراج آموزگار و هنرمند لردگانی را عینا تایید نموده است. آقای سعیدی ابواسحاقی به مواردی از جمله: طرفداری و فعالیت به نفع گروه‌های معاند، اقدام برای تکریم زنده نگه داشتن جریان اغتشاشات، سرکشی به خانواده‌های دادخواه، زیر سؤال بردن نحوه برخورد با اغتشاش‌گران و اسطوره‌سازی از آنان، تهیه تصویر، مطلب و فیلم از فعالیت‌های مذکور با استفاده‌ی ابزاری از موسیقی، هنر و احساسات و بازنشر آن در فضای مجازی متهم شده است.

صدور حکم محکومیت احمد علیزاده، فعال معلمان آبدانان

احمد علیزاده، فعال صنفی معلمان اهل آبدانان ایلام، به اتهام تشکیل گروه به قصد برهم زدن امنیت کشور به سه سال و یک روز حبس تعزیری محکوم شده است. این حکم در حالی صادر شد که در برگزاری جلسه و اخواهی، این حکم از شش سال و یک روز حبس به سه سال و یک روز حبس تقلیل یافت. پیش‌تر نیز آقای علیزاده بنا به پرونده‌سازی دستگاه امنیتی با بازنشستگی اجباری روبرو شده بود. همچنین در اسفند سال گذشته این معلم به دو سال تبعید به سیستان و بلوچستان نیز محکوم شده بود.

دهها دانشجو دانشگاه‌ها به کمیته انضباطی احضار شدند

شوراهای صنفی دانشجویان کشور اعلام کردند که در روزهای اخیر ۱۳ دانشجو در دانشگاه جندی‌شاپور اهواز، ۱۰ دانشجو در دانشگاه امیرکبیر و شماری از دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشگاه تهران، علوم پزشکی اصفهان و فردوسی مشهد به کمیته‌های انضباطی این دانشگاه‌ها احضار شدند و مورد بازجویی قرار گرفتند. شورای صنفی دانشجویان کشور دلیل این احضارها را نزدیک شدن سالگرد قتل حکومتی ژینا (مهسا) امینی، بازگشایی دانشگاه‌ها و گرفتن تعهدنامه و تهدید دانشجویان عنوان کرده است.

زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب
پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی
سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی
ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده
رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان
صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج
نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

دبیر اجرایی
همایون گدازگر

Homayon_1954@yahoo.de

PARLOW TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

saidyegan@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی
کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!